

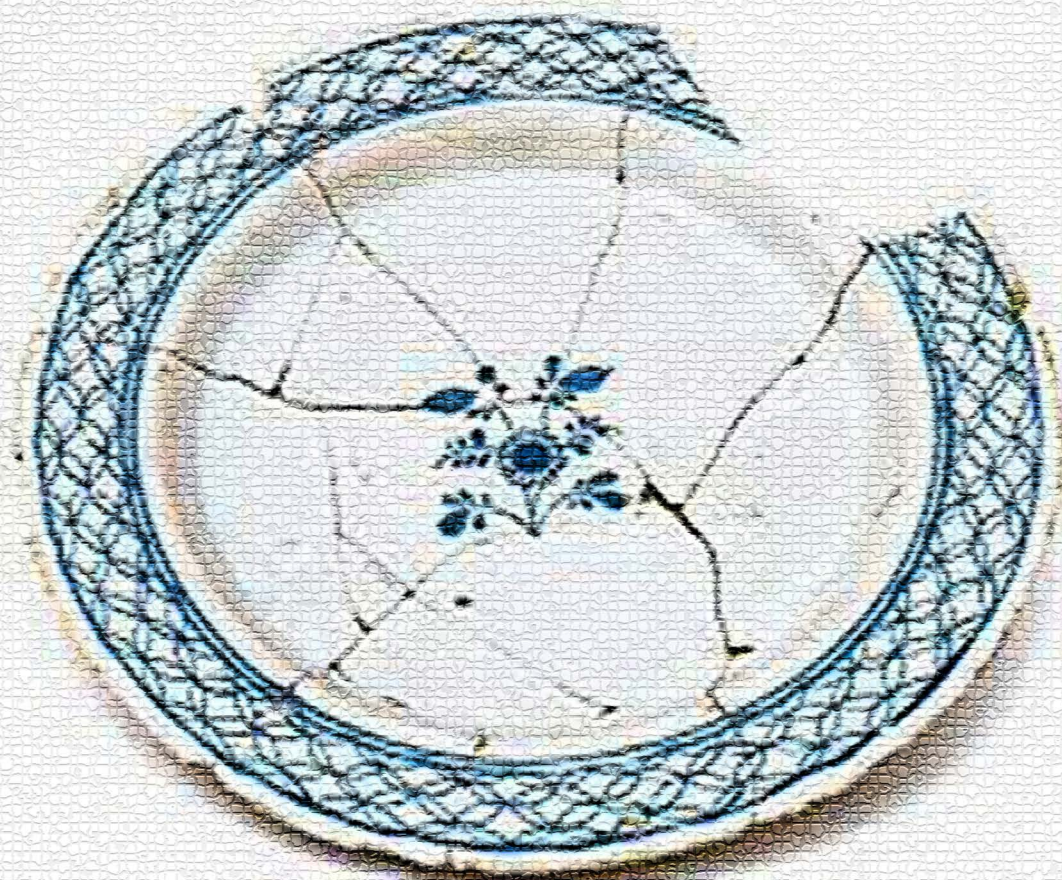
ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۷۳

۲۵ خرداد ۱۴۰۱ / ۱۵ ژوئن ۲۰۲۲

حقوق ما

حقوق بازنشستگان



در این شماره می‌خوانید:

تحقق مطالبات بازنشستگان در چارچوب مناسبات موجود، غیرممکن است

رویارویی بازنشستگان با بحران معیشت و خلاءهای قانون

فقدان اراده سیاسی، دلیل اصلی عدم اجرای قوانین حمایتی برای بازنشستگان است

اختلاس یا جرم یقه سفیدها در صندوق‌های بازنشستگی و نقش آقازاده‌ها

«حقوق بازنشسته زیر عباس است امروز!»

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سرمدبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: عسل همتی، علی اصغر فریدی، آفاق ربیعی‌زاده، جواد عباسی توللی (مصاحبه‌ها).

یادداشت حقوقی: نقی محمودی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است!

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست.



جواد عباسی تولی

«بدتر شدن وضعیت معیشتی»، «عدم اجرای صحیح همسان‌سازی حقوق» و همچنین «اجرا نشدن مصوبه مزدی شورای عالی کار» از عمده‌ترین مطالبات بازنشستگان در تجمعات اعتراضی اخیر است.

طبق ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی، این سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یک بار کمتر نباشد، با توجه به افزایش هزینه زندگی، با تصویب هیأت وزیران، به همان نسبت افزایش دهد.

بازنشستگان اما در اعتراضات خود همواره اعلام کرده‌اند دولت، با افزایش ۱۰ درصدی حقوق، آن هم بدون در نظر گرفتن نرخ واقعی تورم، در اجرای ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی تخلف کرده است.

همچنین بر اساس ماده ۴۱ قانون کار، شورای عالی کار موظف شده است، هر سال، میزان حداقل مزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور یا صنایع مختلف را با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود، تعیین کند.

فواد کیخسروی، فعال کارگری ساکن تهران و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، معتقد است که افزایش

فواد کیخسروی:

تحقق مطالبات بازنشستگان در چارچوب

مناسبات موجود، غیرممکن است

دستمزد و تحقق کامل حقوق بازنشستگان به طور اخص و سایر گروه‌های شغلی به طور اعم، دست‌کم به میزانی که نرخ واقعی سبد معیشت خانوار را پوشش دهد، در ساختارهای حکومتی فعلی امکان‌پذیر نیست.

مجله حقوق ما برای بررسی بیشتر مطالبات بازنشستگان و همچنین دستاوردهای اعتراضات اخیر آنها، با این فعال کارگری گفت‌وگو کرده است.

حقوق ما: «بدتر شدن وضعیت معیشتی»، «عدم اجرای صحیح همسان‌سازی حقوق» و همچنین «اجرا نشدن مصوبه مزدی شورای عالی کار» از عمده‌ترین مطالبات بازنشستگان در تجمعات اعتراضی اخیر است. به نظر شما با توجه به وضعیت موجود، آیا این مطالبات از سوی دولت برآورده خواهد شد؟

کیخسروی: اگر بستر اصلی مطالبات بازنشستگان و سایر مزدبگیران را مبنا قرار دهیم که خواهان تحقق مجموعه خواست‌هایی برای بهبود شرایط معیشتی و زیستی خود منطبق بر معیارهای یک زندگی انسانی است، باید بگوییم که وضعیت فی‌الحال موجود، فاصله‌ی بسیار زیادی با آن مطالبات دارد و افق روشنی برای تحقق آنها متصور نیست. بازنشستگان اما جهت کمی بهتر شدن شرایط معیشتی، حول

مطالباتی دست به اعتراض زده‌اند که اساساً مطابق قوانین جاری کشور باید اجرایی گردند. یکی از خواست‌های اصلی در اعتراضات چند سال اخیر بازنشستگان، اجرای کامل همسان‌سازی حقوق با شاغلین است که قانون به صراحت بر آن تأکید دارد اما چندین سال مغفول مانده و نادیده گرفته شده است. در چند سال اخیر که اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی حول این مطالبه گسترده‌ی زیادی پیدا کرد و شاهد بودیم که در ابعاد سراسری و به شکل مستمر تداوم داشت تا جایی که اکنون به سنتی مبارزاتی با نام «یکشنبه‌های اعتراضی» تبدیل شده، دولت ناچار شد دو مرحله «متناسب‌سازی» در مرداد سال ۹۹ و فروردین ۱۴۰۰ را اجرا کند اما هنوز با اجرای کامل همسان‌سازی حقوق‌ها فاصله زیادی دارد.

خواست اجرای مصوبه مزدی شورای عالی کار که به محوری‌ترین خواسته بازنشستگان در سال ۱۴۰۱ تبدیل شده است اما ناظر بر سرباززدن دولت از افزایش حقوق بازنشستگان غیرحداقل بگیر سازمان تأمین اجتماعی برای سال ۱۴۰۱ است که هیأت وزیران، میزان افزایش آن را در تاریخ ۱۵ خردادماه امسال، مبلغ ۱۰ درصد اعلام کرد. این در حالی است که پیش‌تر، شورای عالی کار، افزایش دستمزد کارگران شاغل غیرحداقل بگیر را ۳۸ درصد تصویب کرده بود و همین رقم هم توسط هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی به دولت پیشنهاد شده بود.

در حال حاضر می‌بینیم که دولت، به شدت در مقابل اجرای این خواست بازنشستگان مقاومت می‌کند اما موج گسترده اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی که هر روز هم در جریان است، مجلس را ناچار کرد تا به این موضوع ورود کند و «هیأت تطبیق مصوبات دولت با قوانین» که یک نهاد مشورتی در مجلس است، مصوبه افزایش ۱۰ درصدی حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی توسط دولت را مغایر با قانون اعلام کرد. بازنشستگان با این اتفاق امیدوارند تا دولت ناچار به عقب نشینی گردد و در میزان افزایش حقوق آنها بازنگری کند اما فعلاً این اتفاق صورت نگرفته است.

در نهایت دولت هیچ تمایلی برای تحقق این مطالبات ندارد و تنها راه برآورده شدن هر درجه از این خواسته‌ها تحمیل آن به دولت از طریق تداوم و گسترش اعتراضات است.

همان‌طور که در ابتدا گفتیم، از نظر من مطالبات گروه‌های مختلف مزدبگیر در مقیاس حداکثری در چارچوب مناسبات حاکمیتی موجود لاینحل است. این ناممکن بودن به این دلیل است که ارتقای سطح کیفی معیشتی مزدبگیران در گروه افزایش دستمزد و حقوق به میزانی است که نرخ واقعی سبد معیشت خانوار را پوشش دهد. امروزه که هزینه‌های واقعی زندگی به بالای ۱۷، ۱۸ میلیون تومان در ماه رسیده و حداقل مزد کارگران چهار میلیون و ۲۰۰ هزار تومان مصوب شده و با سایر مزایا و آیتم‌های مزدی به کمتر از شش میلیون برای بازنشستگان می‌رسد، هنوز نزدیک به سه برابر کمتر از نرخ واقعی سبد معیشت است و تفاوت ریالی آن بیش از ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان است. اما امروز که حکومت در بحران‌های بسیار شدید اقتصادی و سیاسی گرفتار شده، اساساً توانایی پرداخت همین میزان از دستمزد و حقوق از طرف حاکمیت ممکن به نظر نمی‌رسد چه برسد به اینکه آن را مطابق خواست و نیاز مزدبگیران به رقمی دقیق و واقعی افزایش دهد.

با نگاهی به چهار دهه گذشته، به وضوح می‌توان فهمید که اگر امروز حکومت ایران، دیگر توانایی جلب رضایت مزدبگیران را ندارد و نخواهد داشت، اما در دوره‌های گذشته این پایین نگه داشتن سطح مزد و عقب ماندن آن از تورم و هزینه‌های معیشتی، ریشه در ارکان بنیادین سیاست‌های اقتصادی-حاکمیتی در سطحی کلان‌تر دارد و این سیاست‌ها مبتنی بر استخراج سود از قبل کار ارزان و هرچه ارزان‌ترسازی نیروی کار بوده و خواهد بود.

ریشه‌ی این سیاست در ساختار و جایگاه ویژه بورژوازی ایران در مناسبات سیستم سرمایه‌داری جهان است و برای همین ارتباط چندانی با سلاقی و سیاست‌های دولت‌های مختلف ندارد و اساساً خواست کلیت حکومت ایران، سرکوب هرچه بیشتر مزدی است.

برای توضیح بیشتر چرایی عدم اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان لازم است وضعیت بحرانی صندوق‌های بازنشستگی و خصوصاً سازمان تأمین اجتماعی کمی بیشتر بررسی شود.

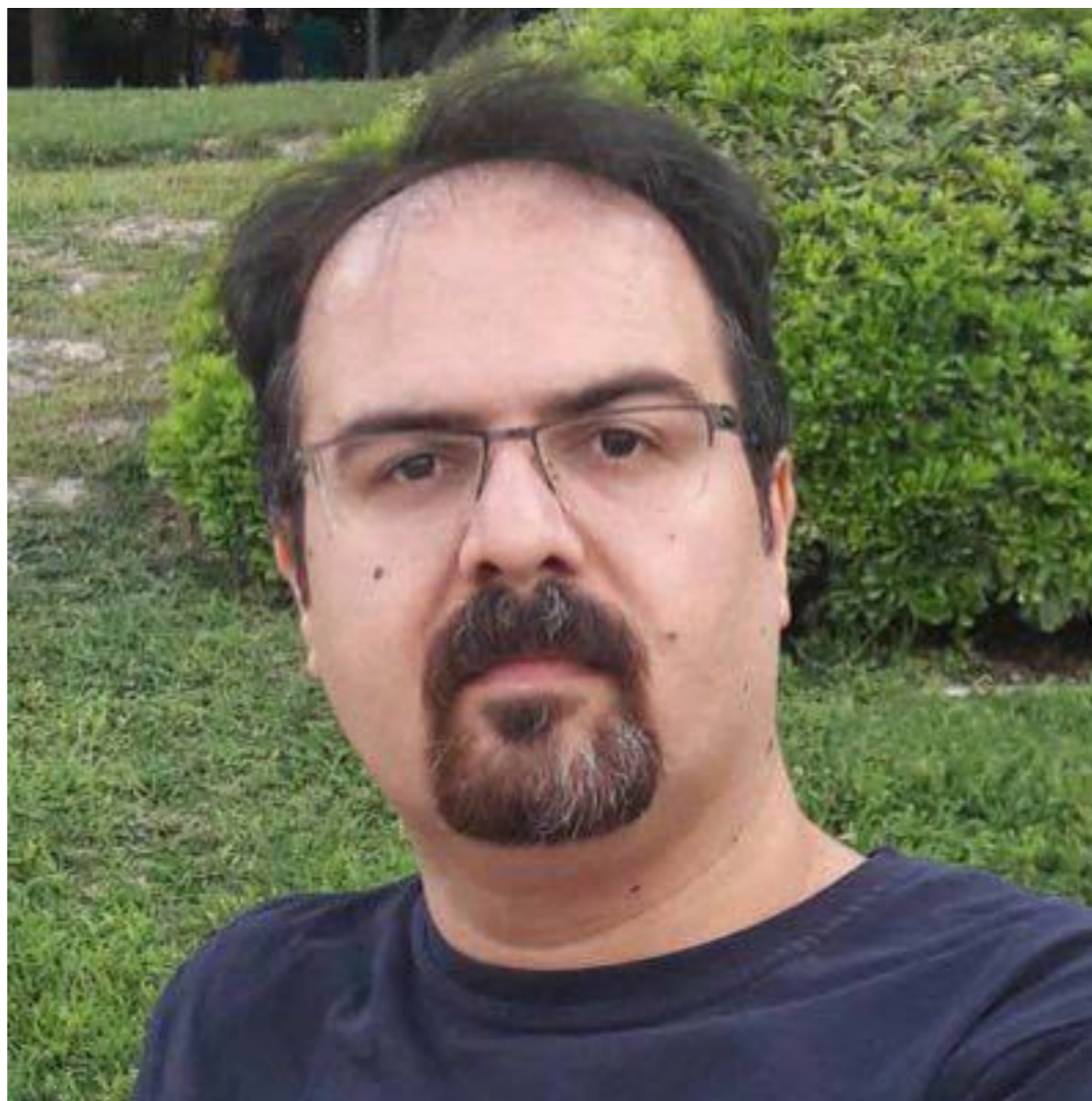
طبق آمار اعلام شده از سوی صندوق‌های مختلف بازنشستگی و اظهارات مسئولین دولتی، اکثریت صندوق‌های

بازنشستگی در آستانه ورشکستگی قرار گرفته‌اند و تعدادی از آنها ورشکسته اعلام شده‌اند. اما با توجه به تداوم اعتراضات بازنشستگان تأمین اجتماعی، مشخصاً پیرامون وضعیت سازمان تأمین اجتماعی نکاتی را عنوان می‌کنم.

سازمان تأمین اجتماعی متعلق به میلیون‌ها کارگر در سراسر کشور است که هم‌اکنون سرمایه‌های بسیار بزرگی را تحت مالکیت دارد. ثروت این سازمان از طریق پرداخت بخشی از دستمزد کارگران در قالب حق بیمه تأمین شده است و هم‌اینک چندمیلیون بازنشسته و مستمری‌بگیر از محل درآمدهای خود سازمان، حقوق دریافت می‌کنند. در چند سال اخیر اما عدم پرداخت بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی، این سازمان را با بحران جدی روبه‌رو کرده است. هم‌اکنون دولت بیشتر از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان به تأمین اجتماعی بدهکار است و این بدهی هر ماه و هر سال در حال افزایش است. چنانچه این بدهی پرداخت گردد و مدیریت سازمان توسط نمایندگان واقعی کارگران و به شکلی صحیح انجام گردد، هنوز هم می‌توان به سرپا نگاه داشتن این سازمان امیدوار بود. دولت اما زمانی هم که در اواخر سال ۹۹ مبلغ ۸۹ هزار میلیارد تومان از بدهی سازمان را پرداخت کرد، در قالب واگذاری سهام شرکت‌هایی که با وضعیت مالی مناسبی نداشتند و یا ورشکست بودند، این کار را انجام داد.

البته دلایل دیگری از جمله کاهش آمار پرداخت‌کنندگان حق بیمه و افزایش دریافت‌کنندگان مستمری که به اصطلاحی تحت تأثیر مقوله‌ی پیری جمعیت کشور از آن یاد می‌شود را می‌توان به عنوان یکی از بسترهای اصلی بحران در تمام صندوق‌های بازنشستگی برشمرد.

در هر حال با توجه به اینکه مسئولان سازمان تأمین اجتماعی چندین بار اعلام کرده‌اند که برای پرداخت همین میزان از مستمری‌ها هم ناچار به اخذ تسهیلات و استقراض بانکی به صورت ماهانه هستند، این وضعیت بحرانی که مشخصاً به سازمان تأمین اجتماعی تحمیل شده است، دلیل اصلی عدم توانایی این صندوق برای اجرای کامل همسان‌سازی حقوق بازنشستگان است.



حقوق ما: آیا در طول اعتراضات سال‌های اخیر، «حق داشتن تشکل مستقل» برای بازنشستگان به رسمیت شناخته شده است؟

کیخسروی: در طول چهار دهه‌ی گذشته نه تنها بازنشستگان بلکه هیچ‌یک از گروه‌های مزدبگیر حق ایجاد تشکل‌های مستقل خود را نداشته‌اند و حکومت با تمام توان مانع از ایجاد آن شده است. مشخصاً در مورد بازنشستگان شاهد هستیم که تشکل‌هایی از جمله کانون‌های استانی بازنشستگان یا اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری و تشکل‌هایی از این قبیل وجود دارند که تماماً زیرمجموعه شبکه‌های خانه کارگر و نهادهای دست‌ساز حکومتی هستند.

حکومت هم‌زمان با سرکوب هر نوع تلاش برای ایجاد تشکل‌های مستقل توسط کارگران، تشکیل این نوع تشکل‌های دست‌ساز و وابسته را در دستور قرار داد تا با

شاهدیم که تعرضات جدید و بسیار شدیدی در ماه‌های اخیر به حقوق بازنشستگان صورت گرفته است. در چند سال اخیر یک جنبش اعتراضی از سوی بازنشستگان شکل گرفته که تجمعات مستمر و سراسری بزرگی را به پیش می‌برد و اتفاقاً مطالباتش معطوف به بهبود شرایط معیشتی بود. این جنبش خواهان افزایش حقوق به میزان نرخ واقعی سبد معیشت و همسان‌سازی حقوق‌ها است. اما در چند ماه اخیر حکومت به تعرضی جدی مشخصاً نسبت به بازنشستگان تأمین اجتماعی دست زد. هر ساله میزان افزایش حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی منطبق بر مصوبه مزدی شورای عالی کار بوده که همین میزان هم مورد رضایت و توافق کارگران و بازنشستگان نبوده است اما امسال دولت با یک تعرض معیشتی بزرگ، این مصوبه شورای عالی کار را نادیده گرفت و برای بخش بزرگی از بازنشستگان تأمین اجتماعی که غیر حداقل‌بگیر هستند تنها ۱۰ درصد افزایش حقوق اعلام کرد.

این اقدام دولت هم عرصه‌ی معیشتی را به بازنشستگان تنگ‌تر کرد و هم در عرصه‌ی مبارزاتی یک عقب‌نشینی جدی را به آنها تحمیل نمود. یعنی اینکه همین بازنشستگان که تا سال قبل خواستار عبور از مکانیسم‌های تصویب مزدی و ارتقای آن برای بهبود وضع معیشتی بودند، اکنون خواستار

اجرای همان قوانین تاکنونی هستند. به همین دلیل، هرچند اعتراضات گسترده و شورانگیزی را از بازنشستگان شاهد هستیم اما به نظر من به لحاظ ماهیتی، حکومت یک عقب‌نشینی بزرگی را به جنبش بازنشستگان تحمیل کرده است و در این راستا همین تشکل‌های حکومت‌ساخته هم در همسویی با این تعرض حاکمیت، نقشی جدی ایفا کرده‌اند.

البته قطعاً وضعیت به این منوال نخواهد ماند و با توجه به نارضایتی‌های گسترده‌ی طبقه کارگر و کل گروه‌های مزدبگیر نسبت به وضعیت نامناسب معیشتی و همچنین با توجه به نیل مبارزات مزدبگیران به سمت مصاف با مناسبات حاکمیتی موجود، در آینده‌ای نزدیک شاهد گسترش و تعرضی شدن و یکپارچه شدن اعتراضات بازنشستگان و دیگر بخش‌های جامعه خواهیم بود.

ایجاد چارچوب‌های مدنظر خود، مانع از شکل‌گیری یا گسترش اعتراضات کارگران و مزدبگیران گردد و از طرف دیگر هم تلاش کند مطالبات آنها را به انحراف بکشد یا در چارچوب حداقلی قوانین موجود حفظ کند. اتفاقاً این تشکل‌های وابسته همواره به عنوان بازوی سرکوب حکومت علیه کارگران و مزدبگیران عمل کرده‌اند و تلاش کرده‌اند تصویری موجه از خود به کارگران و جامعه نشان دهند که البته امروزه دیگر کارگران و بازنشستگان توهمی به ماهیت واقعی آنها ندارند.

حقوق ما: دستاورد اعتراضات بازنشستگان در چند ماه اخیر چه بوده است؟

کیخسروی: به سختی می‌توان دستاورد ملموس و عملی در چند ماه گذشته برای بازنشستگان برشمرد و برعکس

رویارویی بازنشستگان با بحران معیشت و خلاءهای قانون



عسل همتی

بازنشستگان در مطالباتشان که با اعتراضات خیابانی همراه شده از همسان نبودن حقوق با هزینه‌های جاری زندگی می‌گویند. آن‌ها از دولت می‌خواهند ماده ۹۶ قانون را که به همین موضوع اشاره دارد، اجرایی کند. از آن سو تورم بی‌سابقه در اقتصاد و در پی آن گرانی‌های مردم‌افزاینده کالاهای اساسی که نتیجه حذف ارز ترجیحی‌ست، بار معیشتی را بر دوش آن‌ها سنگین‌تر کرده است و می‌کند.

اما مشکلات و مسائل بازنشستگان چقدر ریشه در قوانین موجود در حوزه بازنشستگی دارد و چه اندازه ناشی از مشکلات اقتصادی ایران است و در نهایت آنچه گره از مشکلات آنها می‌گشاید تغییر و اصلاح قوانین است یا بهبود وضعیت اقتصادی کشور؟ پاسخ این پرسش‌ها را در گفت‌وگوی «حقوق ما» با نرگس شاکری -حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری- بخوانید.

خانم شاکری، بازنشستگی در قوانین ایران چه تعریفی دارد؟ یک شهروند باید واجد چه شرایطی باشد که قانون او را بازنشسته تلقی کند و در مقابل این شمول، از چه حقوقی برخوردار می‌شود؟

بازنشستگی به معنای کناره‌گیری از انجام شغل به دلایل مختلف است. فرد بازنشسته می‌بایست تا آخرین روز حیات خود حقوق بازنشستگی دریافت کند که این حقوق پس از فوت او به بازماندگان

واجد شرایطش اختصاص می‌یابد. دلایل مختلفی برای کناره‌گیری از شغل وجود دارند که می‌توان به بالابودن سن، بیماری‌های خاص یا از کارافتادگی اشاره کرد. در برخی مشاغل بازه تعیین شده برای کار ۳۰ سال و در برخی دیگر عدد متفاوتی است. جنسیت فرد شاغل، سختی کار، میزان زیان‌آور بودن و پر خطر بودن شغل و پارامترهای دیگری وجود دارند که شرایط بازنشستگی و بازه زمانی آن را تعیین می‌کنند که این موارد بر اساس قانون بازنشستگی در کشورهای مختلف، متفاوت است. بنا بر شرایط بازنشستگی، سن فرد شاغل باید به ۵۵ تا ۶۵ سال برسد و همچنین سابقه کاری افراد بین ۳۰ تا ۳۵ سال باشد.

در شرایط بازنشستگی در مشاغل خاص مانند هیئت علمی دانشگاه‌ها یا قضات دیوان عالی کشور، سن بازنشستگی تا ۷۰ سال نیز قابل قبول خواهد بود. باید اشاره کنم که به صورت کلی ۳ حالت بازنشستگی وجود دارد که شامل این موارد است:

بازنشستگی اختیاری: در این نوع بازنشستگی دو حالت وجود دارد که یکی به اختیار اداره و دیگری به اختیار فرد است. بازنشستگی اجباری: این حالت بیشترین شکل بازنشستگی را تشکیل می‌دهد و در زمان پایان کار (خدمت بین ۳۰ تا ۳۵ سال، رسیدن به حداکثر سن ممکن، از کارافتادگی یا فوت) فرد است.

بازنشستگی پیش از موعد: در این حالت کارمندان با ۵ سال ارفاق، می‌توانند زودتر از موعد بازنشسته شوند و فرد با ۲۵ سال سابقه و

۳۰ روز حقوق ماهانه، بازنشسته خواهد شد.

در رابطه با شرایط بازنشستگی پیش از موعد، یک اصلاح کلی انجام شده که فرد با هر میزان سابقه، قادر به بازنشستگی است و حقوق او نیز معادل سال‌های خدمت او محاسبه خواهد شد. برای مثال فردی با داشتن ۲۶ سال سابقه خدمت، در زمان بازنشستگی حقوقی معادل ۲۶ روز کاری را ماهانه دریافت خواهد کرد.

یک حالت دیگر نیز در انواع بازنشستگی وجود دارد که آن را بازنشستگی قهری می‌نامند. این نوع بازنشستگی به دلیل انجام تخلف اداری از سوی فرد است و به عنوان مجازات برای تخلف افراد در ماده ۹ قانون تخلفات اداری پیش‌بینی شده است. (این بازنشستگی نوعی مجازات است و فرد می‌تواند در مقابل آن در تجدید نظرخواهی یا دیوان عدالت اداری، اعتراض کند.)

بر اساس آمارها از جمعیتی که امسال (۱۴۰۱) بازنشسته می‌شوند ۳۰ درصدشان زیر ۵۰ سال دارند. سن بازنشستگی در قانون بر چه اساسی تعیین می‌شود؟ دیگر این‌که بازنشستگی در سن پایین چه مشکلات حقوقی‌ای دیگری ایجاد می‌کند؟

پایین آمدن سن بازنشستگی در ظاهر به افزایش اشتغال خواهد انجامید اما در عمل به علت تورم و بالا بودن هزینه‌های زندگی در کنار کافی نبودن مستمری بازنشستگی، کاهش سن به افزایش اشتغال نیانجامیده است. اگر افزایش امید به زندگی را نیز در نظر بگیریم، کاهش سن بازنشستگی شاید تنها به بر هم خوردن تعادل منابع و مصارف سازمان‌های بیمه‌گر اجتماعی انجامیده باشد و در عمل، بازنشستگان را از یک شغل رسمی همراه با مزایای قانونی، به مشاغل کاذب و بی‌پشتوانه کشانده است.

سازمان تأمین اجتماعی، با توجه به قوانینی که وضع کرده است، شرایط سن بازنشستگی خاصی را برای بیمه‌شدگان خود در نظر گرفته است. به طور کلی، سن بازنشستگی با توجه به اهمیت آن و نیز اهمیت زمان بازنشستگی می‌تواند با توجه به شرایط شغلی فرد متفاوت باشد.

گفتنی است حداقل سن بازنشستگی برای زنان در حالت عادی ۴۵ سال و برای مردان ۵۰ سال است. قانون بازنشستگی ۲۵ سال با ۳۰ روز حقوق نیز یکی از تسهیلات ایجادشده برای قشر بازنشسته کشور است که می‌تواند با خرید مابقی حق بیمه خود، با ۲۵ سال سابقه و حقوق ۳۵ روز بازنشسته شوند.

سن بازنشستگی بر اساس ماده ۷۶ قانون اساسی، برای مردان ۶۰ سال و برای زنان ۵۵ سال است. اگر فردی به این سن برسد و حداقل ۲۰ سال سابقه پرداخت بیمه داشته باشد؛ بر اساس قانون بازنشستگی می‌تواند بازنشسته شود. نکته مهمی که باید به آن اشاره کنم این است که فقط کارگر می‌تواند درخواست بازنشستگی کند و کارفرما تنها در یک حالت قادر به انجام این کار خواهد بود و آن سن کارگر است. اگر سن کارگر از سن مقررشده در شرایط بازنشستگی، ۵ سال بیشتر باشد؛ کارفرما می‌تواند از سازمان تقاضای بازنشسته کردن فرد را داشته باشد و به جز این قوانین بازنشستگی، تحت هیچ حالت دیگری کارفرما نمی‌تواند برای کارگر و کارمند خود تقاضای بازنشستگی کند.

همچنین قانون بازنشستگی در شرایط سخت و زیان‌آور به این شکل است که فرد بیمه‌شده شاغل در مشاغل سخت و زیان‌آور به مدت ۲۰ سال متناوب یا ۲۵ سال متوالی، حق بیمه خود را پرداخت کرده باشد؛ با توجه به قوانین بازنشستگی بدون نیاز به شرط سنی خاص می‌تواند تقاضای بازنشستگی کند.

آن دسته از مردانی که در مشاغل سخت، در حال فعالیت هستند و در حال حاضر دارای ۲۰ سال سابقه کار هستند، می‌توانند بدون رعایت شرط سنی ۶۰ ساله، بازنشسته تأمین اجتماعی شوند و در صورتی که مردان، در مشاغل خود آسیب دیده باشند، می‌توانند در صورت تأیید سازمان تأمین اجتماعی، زودتر از ۲۰ سال بازنشسته شوند.

در صورتی که مردان بیمه‌شده تأمین اجتماعی، معلول باشند، با داشتن ۵۰ سال و ۲۰ سال سابقه کار می‌توانند بازنشسته تأمین اجتماعی شوند. اگر مردان، جانباز یا آزاده باشند، بدون داشتن شرط سنی و بعد از ۲۰ سال سابقه کار، بازنشسته خواهند شد.

همچنین همه مردان بیمه‌شده در سازمان تأمین اجتماعی، با داشتن ۳۵ سال سابقه کار، بدون رعایت هیچ شرط سنی، می‌توانند بازنشسته تأمین اجتماعی شوند.

بر اساس تبصره ۴ ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی، زنان مشغول به کار در محیط‌های کاری مشمول قانون کار می‌توانند در ۴۲ سالگی در صورتی که ۲۰ سال سابقه کار داشته باشند درخواست بازنشستگی کنند. (در این نوع بازنشستگی، کارگران زن با احتساب ۲۰ روز حقوق، مستمری دریافت خواهند کرد.)

باید اضافه کنم که در برنامه ششم توسعه، زنان بیمه‌شده مشمول سایر قوانین استخدامی می‌توانند با ۲۰ سال سابقه کار و پرداخت



حق بیمه با ۵۰ سال سن و ۲۰ روز حقوق بازنشسته شوند.

قوانین بازنشستگی در ایران نسبت به قوانین مشابه جهانی در چه سطحی است؟ قوانین ایران در این زمینه چه اندازه با مقتضیات و تحولات روز مطابقت دارد؟

همه کشورهای جهان تاکنون بر اهمیت وجود یک نظام تامین اجتماعی که وظایف فوق‌الذکر را انجام دهد، تاکید ویژه داشته‌اند. در این میان برخی کشورها پوشش بیشتر تامینی و حمایت اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهند و برخی نیز بنا بر خوانش‌ها و گرایش‌های دولت و همچنین بر اساس محدودیت‌های اقتصادی خود، سطوح پایین‌تری از تامین اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهند. امروز تشکلهای و انجمن‌های بازنشستگان مانند تشکلهای کارگری در سراسر جهان فعال هستند. این تشکلهای به‌طور مداوم از حقوق بازنشستگان دفاع کرده و بر صندوق‌های بازنشستگی نظارت می‌کنند. در این راستا و در سطح جهانی نیز، اتحادیه‌های

جهانی بازنشستگان وجود دارند.

گزارش سال ۲۰۲۱ شاخص جهانی بازنشستگی حاکی‌ست که در میان ۴۳ نظام بازنشستگی که مورد مقایسه قرار گرفته‌اند، کانادا در رده دوازدهم، آلمان در رتبه چهاردهم، آمریکا در جایگاه نوزدهم و فرانسه در رده بیست‌ویکم قرار دارند. در میان کشورهای خاورمیانه نیز امارات عربی متحده در رتبه بیست‌ودوم و عربستان سعودی در جایگاه بیست‌وششم جای دارند. متأسفانه نظام بازنشستگی ایران در این بررسی جایی نداشته است ولی در میان کشورهای همسایه این کشور، تنها سیستم بازنشستگی ترکیه مورد مقایسه با ۴۲ کشور دیگر قرار گرفته و رتبه سی‌ونهم به آن اختصاص داده شده است.

اگر در قانون بازنشستگی تناسب حقوق و هزینه‌ها در نظر گرفته شده، چرا مطالبه بازنشسته‌ها که فریاد می‌زدند «هزینه‌ها دلاریه، حقوق ما ریالیه» از سوی دولت برآورده نمی‌شود؟ عدم اجرای ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی که مطالبه بازنشسته‌های معترض است چه توجیه حقوقی دارد؟ بر اساس ماده ۹۶: سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یک‌بار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیئت وزیران به همان نسبت افزایش دهد.

بازنشستگان با اشاره به ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی یادآور شدند که بر اساس این ماده سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یک‌بار کمتر نباشد با توجه به افزایش «هزینه زندگی» با تصویب هیئت وزیران به همان نسبت افزایش دهد.

با این حال سازمان در افزایش مستمری بازنشستگان متناسب با سطح سال ۱۴۰۰ که برای حداقل‌بگیران رقمی در حدود ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان تا حدود ۴ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است، ماده ۹۶ را اعمال نکرده و تکمیل متناسب‌سازی را رها کرده است.

تعیین و تصویب قوانین و بخشنامه‌ها امری است که نیاز به اجرا شدن دارد. حال آنکه این مصوبات قابلیت اجرایی شدن را دارند یا خیر امری است حائز اهمیت.

بازنشسته‌ها مادامی که بین حقوق‌شان با مخارج و هزینه‌ها تناسبی نمی‌بینند به کارهای دیگر رو می‌آورند و از آن سو نیروی کار جوان مشاغل را در اشغال دیگرانی می‌بیند که به هر رو محل درآمدی دارند. در اینجا قانون چه خلاءهایی دارد؟ اساساً چه توجیه قانونی وجود دارد که یک بازنشسته با استناد به آن مجدداً کار می‌کند؟

پیشتر سازمان تامین اجتماعی به استناد بند ۱۵ ماده ۲ قانون تامین اجتماعی اشتغال به کار مجدد بازنشستگان را ممنوع و در صورت اشتغال، حقوق بازنشستگان قطع و حق بیمه از کارفرما اخذ می‌شد. بازنشستگان به این موضوع به شدت معترض شدند و با شکایت به مراجع مختلف و به ویژه دیوان عدالت اداری دادخواهی کردند تا این‌که بنا به شرایطی خاص و با محدودیت‌هایی اشتغال برخی از آن‌ها پذیرفته شد.

با تصویب قانون ممنوعیت به‌کارگیری بازنشستگان در سال ۱۳۶۶، مقرر شد: اشخاص بازنشسته یا اشخاصی که سنوات خدمت آن‌ها بازخرید شده است، نمی‌توانند در یکی از وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و موسسات دولتی و شهرداری‌ها مشغول به کار شوند. البته بازنشستگان می‌توانند در یکی از دستگاه‌های اجرایی یا دستگاه‌های دولتی به عنوان مشاور (پاره وقت) با تنظیم قرارداد مشاوره و به شرط داشتن حداقل مدرک کارشناسی خدمت کنند. شرط به‌کارگیری بازنشستگان به عنوان مشاور در دستگاه‌های دولتی این است که مجموع ساعات اشتغال بازنشسته، از یک سوم ساعات اداری کارمندان رسمی تجاوز نکند. همچنین بازنشستگان در شرکت‌های خصوصی می‌توانند استخدام شوند و همان‌طور که در بالا به آن اشاره کردیم، استخدام بازنشستگان در دستگاه‌های دولتی ممنوع است.

بدیهی است استخدام افراد بازنشسته برای خود این افراد مشکلاتی را ایجاد می‌کند و در بیشتر اوقات حقوقی که از دست می‌دهند، بسیار بیشتر از مزایایی است که به دست می‌آورند که دلیل اصلی آن هم حمایت از اشتغال افراد جوان‌تری است که جویای کارند. با توجه به اصل ۱۴۱ قانون اساسی، کارمندان رسمی دولت نمی‌توانند به عنوان اعضای هیئت مدیره شرکت‌های خصوصی انتخاب شوند مگر در شرکت‌های تعاونی. البته این منع قانونی درباره بازنشستگان دولت وجود ندارد. به عبارت دیگر، با قطع رابطه استخدامی، اشخاص بازنشسته می‌توانند به سمت اعضای هیئت مدیره منصوب شوند.

مشکلات دیگری که وجود دارد: خروج از فهرست دریافت مستمری بازنشستگی و الزام به پرداخت بیمه برای کارفرمای جدید است. هنگامی که بازنشستگان مجدداً مشغول به کار می‌شوند، علاوه بر این‌که مستمری آن‌ها قطع می‌شود، کارفرمای جدید نیز ملزم به بیمه کردن بازنشسته است. زیرا با استخدام این شخص، مستمری او قطع می‌شود و تمامی الزامات قانون کار از جمله بیمه، دوباره برقرار می‌شود.

تمایل مجدد بازنشستگان به استخدام، بیشتر به این دلیل است که مستمری در نظر گرفته شده نمی‌تواند جوابگوی نیازهای روزمره زندگی آن‌ها باشد. بنابراین برای این‌که بتوانند از مزایای بازنشستگی خود استفاده کنند، در صورت تمایل به اشتغال، به صورت پاره وقت و با تنظیم قرارداد مانند قرارداد مشاوره یا پیمانکاری به خدمت بپردازند. با این کار، هم منبعی برای کسب درآمد برای خود فراهم کرده‌اند و هم می‌توانند از مستمری بازنشستگی خود بهره‌مند شوند.

در نهایت مشکلات بازنشستگان را ناشی از وضع اقتصادی کشور می‌دانید یا خلاءهای قانون؟ قانون نیازمند اصلاح و بازنگری است یا گره مسائل بازنشسته‌ها به دست اقتصاد باز می‌شود؟!

مشکلات بازنشستگان که سرمایه‌های این کشور هستند هم ناشی از وضع اقتصادی موجود است و هم ناشی از خلاءهای موجود قانونی و نیز عدم امکان اجرایی شدن قوانین است که حل این مشکل مستلزم رفع موانع اقتصادی و نیز تخصیص بودجه درخور و اصلاح و بازنگری قوانین به نحوی است که قابلیت اجرا داشته باشد.

خلاءهای قانونی ناشی از عدم هماهنگی نهادهای مربوطه (سازمان بازنشستگی کل کشور و سازمان تامین اجتماعی) و عدم هماهنگی‌های سیاست‌های آن‌ها است. عدم قابلیت اجرا نیز به لحاظ عدم تناسب بودجه با جمعیت بازنشستگان است که این مهم نیز ناشی از محدودیت بودجه اختصاص داده شده به این قشر است. در هر حال پرداخت به موقع و متناسب در شرایطی میسر خواهد بود که اقتصاد کشور در وضعیت باثباتی قرار بگیرد و منابع مالی تامین باشد اما در شرایط کنونی متأسفانه تورم روزانه امکان پیش‌بینی و تامین بودجه مربوطه را از بین برده است.

فقدان اراده سیاسی، دلیل اصلی عدم اجرای قوانین حمایتی برای بازنشستگان است



آفاق ربیعی زاده

مجله حقوق ما، برای بررسی وظایف قانونی دولت در قبال بازنشستگان و همچنین دلایل شانه خالی کردن سازمان تأمین اجتماعی از زیر بار مسئولیت‌های خود، با این حقوق دان گفتگو کرده است.

پرسش: چرا دولت ایران، طبق اصل ۲۹ قانون اساسی، به وظیفه خود در قبال بیمه بازنشستگان عمل نمی‌کند؟

پاسخ: نخست باید پرسید چرا دولت قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ و قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۶۴ را اجرا نمی‌کند؟ چرا که وظیفه دولت در اصل ۲۹ قانون اساسی در عمل، اجرای این دو قانون، آئین‌نامه‌های مربوط و قوانینی است که در این زمینه وجود دارد. وظیفه دولت در اجرای این اصل، اجرای درست قانون تأمین اجتماعی است. در نتیجه سوال این خواهد بود که چرا دولت اساساً حاضر نیست قانون تأمین اجتماعی را به درستی اجرا کند؟ پاسخ به این سوال بیش از آنکه حقوقی باشد، به وضعیت سیاسی و اقتصادی در ایران مربوط می‌شود.

سازمان تأمین اجتماعی به عنوان یکی از سازمان‌هایی که منابع

هر ماه، درصد قابل توجهی از دستمزد کارگران و کارمندان بابت حق بیمه به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز می‌شود. با یک حساب سر انگشتی، می‌توان فهمید یک بازنشسته کارگری با سی سال سابقه کار، قطعاً مبلغ قابل توجهی بابت «سهم درمان» در صندوق سازمان تأمین اجتماعی ذخیره کرده است. طبق قوانین موجود، بخشی از این مبلغ، بابت «سهم درمان» در دوره بازنشستگی در صندوق سازمان تأمین اجتماعی ذخیره می‌شود. با این حال، نه تنها بیمه پایه تأمین اجتماعی جوابگوی مشکلات درمانی بازنشستگان نیست بلکه ماهانه دو درصد از حقوق بازنشستگی مجدداً برای «سهم درمان» از حقوق بازنشستگان کسر می‌شود. از طرف دیگر، بازنشستگان عمدتاً برای درمان‌های تخصصی و تأمین دارو، نیاز به بیمه‌های تکمیلی دارند.

معین خزائلی، وکیل دادگستری و حقوق دان، بر این باور است در ایران پیش از آنکه خلاءها و کمبودهای قانونی منجر به عدم تحقق مطالبات بیمه‌ای بازنشستگان شده باشد، نبود اراده سیاسی برای عمل به قانون، دلیل این مهم است.

مالی گسترده‌ای دارد، به بانک و صندوقی برای دولت تبدیل شده است. برخوردی که دولت‌های مختلف در جمهوری اسلامی با سازمان تأمین اجتماعی و نهادهای زیر مجموعه آن به‌ویژه شستا داشته‌اند، به عنوان یک «صندوق» به آن نگاه کرده‌اند. دولت هر زمان که اراده کرده در این صندوق دست برده و هر جا و هر نوعی که دلش خواسته هزینه کرده و به هیچ‌کس هم پاسخگو نبوده است. این در حالی است که دولت قانوناً اجازه هیچ دخل و تصرفی در اموال سازمان تأمین اجتماعی را ندارد. سازمان تأمین اجتماعی، سازمانی است که دولت اجازه دست بردن در اموال و دخالت در عملکرد آن را ندارد.

نکته دیگر این است که دولت در حال حاضر، به یکی از بزرگترین بدهکاران سازمان تأمین اجتماعی تبدیل شده است. بسیاری از کارشناسان، یکی از مشکلات عمیق مالی در این سازمان را عدم پرداخت بدهی دولت به آن عنوان کرده‌اند. جالب این است که یکی از بخش‌هایی که باید توسط دولت تأمین شود، بخش مربوط به بیمه درمانی است. دولت به عنوان کارفرمای بیمه‌شدگان، سهمی را به عهده دارد که آن را پرداخت نمی‌کند. به این ترتیب است که فشار بر اعضای بیمه‌شده سازمان به‌ویژه بازنشستگان، اعمال می‌شود. همان‌طور که شاهدیم، این فقدان منابع مالی باعث اعمال فشار زیاد بر بیمه‌شدگان شده است.

در نتیجه این سوال که چرا دولت به وظایف خود در این زمینه عمل نمی‌کند، سوالی است که پاسخ آن را بیشتر در نبود اراده سیاسی لازم و عدم خواست سیاسی برای اجرای این قانون جستجو کرد. می‌توان گفت، دولت با نقض قوانین، در منابع مالی سازمان تأمین اجتماعی دخل و تصرف می‌کند و به هیچ‌کس هم پاسخگو نیست.

پرسش: در سال‌های گذشته، از طرف دولت اعلام شده بود که بخش زیادی از «دو درصد از دستمزد بازنشستگان» بابت چاپ دفترچه‌های کاغذی اخذ می‌شود. به نظر شما، چرا با وجود اینکه این دفترچه‌ها در سال‌های اخیر حذف شده اما همچنان کسر دو درصد از حقوق ماهانه، برای

بازنشستگان جریان دارد؟

پاسخ: این هم نمونه روشنی است از عدم مدیریت درست در سازمان تأمین اجتماعی. مدیریت سازمان تأمین اجتماعی باید در راستای منافع اعضا یعنی بازنشستگان و مشمولان اقدام کند، همواره در جهت منافع دولت گام برداشته است. در جایی که این سازمان باید صراحتاً موضع‌گیری کرده و از کسر این دو درصد جلوگیری کند، دولت به این اقدام ادامه می‌دهد و سازمان هم همکاری می‌کند. در چنین شرایطی از دست کسی کاری ساخته نیست. وقتی خود سازمان در حمایت و دفاع از حقوق اعضای خود، نقشی ایفا نمی‌کند، دولت هم دست‌درازی‌های بیشتری می‌کند. اساساً مدیران سازمان تأمین اجتماعی خود را از دولت می‌دانند و نگران منافع سیاسی و اقتصادی خود هستند. در نتیجه، در جهت منافع اعضای این سازمان نقش زیادی ایفا نمی‌کنند.

آنچه مدنظر قانون‌گذار در سال ۵۴ بود، این بود که این سازمان باید مستقل عمل کند، منابع مستقل داشته باشد و دولت اجازه دخالت‌گری در منابع مالی آن را نداشته باشد. دولت اما در برابر این استقلال سازمان، نه تنها بودجه‌ای تخصیص نمی‌دهد و بدهی‌های خود را پرداخت نمی‌کند، بلکه در عوض در منابع مالی آن دست برده، آن‌ها را حیف و میل می‌کند و حتی سیاست‌های سازمان را تغییر می‌دهد.

پرسش: چرا «قانون الزام تأمین اجتماعی» که به صراحت بر «حق درمان رایگان» بازنشستگان اشاره کرده، اجرا نمی‌شود؟

پاسخ: به جرأت می‌توان گفت که ایران یکی از کشورهای رکورددار در عدم اجرای قوانینی است که خود با صرف هزینه‌های هنگفت تصویب کرده و بعد با استناد به دلایلی از جمله فقدان بودجه یا فراهم نبودن شرایط اقتصادی و سیاسی، از اجرای آن قوانین خودداری می‌کند. در همین راستا سازمان تأمین اجتماعی یکی از نهادهایی است که سابقه بسیار بدی در عدم اجرای قوانین دارد. به این ترتیب که این سازمان

در آبان همان سال، دیوان، حکمی خطاب به سازمان تأمین اجتماعی صادر کرد. بر اساس این حکم، سازمان موظف به اجرای قانون در این زمینه شد اما با وجود گذشت پنج سال از صدور این حکم، سازمان تأمین اجتماعی همچنان با استناد به کمبود بودجه، زیر بار اجرای آن نمی‌رود.

در نتیجه می‌توان گفت فقدان اراده و ضمانت اجرای سیاسی در میان مدیران، دلیل اصلی عدم اجرای قانون است که همواره با توجیه فقدان منابع مالی پوشانده شده است. در حقیقت منابع مالی در جاهای دیگری صرف می‌شود.

پرسش: به نظر شما چه خلاءهای قانونی در زمینه تأمین حقوق اجتماعی بازنشستگان وجود دارد؟

پاسخ: به نظر من، بیش از اینکه دچار خلاءهای قانونی باشیم، ناهادهای دولتی در ایران، به ویژه سازمان تأمین اجتماعی، قوانین موجود را به بهانه‌های مختلف از جمله فقدان منابع مالی، اجرا نمی‌کنند. برای نمونه در زمینه بیمه بازنشستگان، مشکل اصلی، عدم پرداخت بدهی‌های دولت است. یعنی در حقیقت، پاسخی که از سوی کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی در بیشتر موارد مطرح می‌شود، این است که دولت بدهی‌های خود را به این سازمان پرداخت نمی‌کند و در نتیجه دچار مشکل مالی شده‌اند. هرچند استناد به چنین مواردی، حقوقی و قابل پذیرش نیست اما دولت هم به وظایف خود در قبال تأمین اجتماعی از جمله پرداخت بدهی‌ها عمل نمی‌کند. در سال‌های گذشته، دولت‌های مختلف اعلام کرده‌اند برای پرداخت بدهی به سازمان تأمین اجتماعی، بودجه‌ای اختصاص داده‌اند. با این وجود، مسئولان تأمین اجتماعی هر سال اعلام می‌کنند دولت تنها بخش کوچکی از بدهی خود را پرداخت کرده است. اگرچه قوانین فعلی، کامل نیست و نقص‌هایی دارد اما به نظر من مشکل اصلی، عدم اجرای قوانین از سوی دولت و نهادهای دیگر است و مادامی که چنین شرایطی برقرار باشد، اضافه کردن قوانین جدید هم نمی‌تواند راهگشا باشد.



شماری از مواد قانون تأمین اجتماعی و دیگر قوانین مرتبط را اساساً قبول ندارد و صراحتاً هم آن را اعلام می‌کند. حتی در این زمینه احکام قضایی موجود است. به این ترتیب که شهروندان و اصناف به قوه قضاییه و دیوان عدالت اداری مراجعه و از عدم اجرای قانون توسط سازمان تأمین اجتماعی شکایت کرده‌اند. دیوان هم حکم داده که سازمان، موظف به اجرای قانون مذکور است اما باز هم شاهد آن هستیم که این اتفاق صورت نمی‌گیرد. به عنوان مثال، سازمان تأمین اجتماعی، قانون بازنشستگی ۲۰ ساله مربوط به مشاغل سخت و زیان‌آور را برای پرستاران اجرا نمی‌کند. بارها اعلام کرده که آن را قبول ندارد و بنابراین اجرا هم نمی‌کند. سازمان پرستاری در سال ۱۳۹۶ با مراجعه به دیوان عدالت اداری در رابطه با این موضوع شکایت کرد.

اختلاس یا جرم یقه‌سفیدها در صندوق‌های بازنشستگی و نقش آقازاده‌ها



علی‌اصغر فریدی

بازنشستگی با نیره انصاری حقوقدان گفتگویی انجام داده که مشروح کامل این گفتگو در زیر آمده است.

قوانین ایران چه راهکارهایی را برای جلوگیری از فساد مالی در نظر گرفته؟ با توجه به اینکه هر از چند گاهی شاهد فساد مالی بزرگی در یکی از نهادهای دولتی و نیمه دولتی شاهد هستیم آیا این ناشی از ضعف قانون است یا اجرای آن؟

یکی از بارزترین مشکلات جهان امروز به ویژه کشورهای جهان سوم و کشورهای در حال توسعه تخلفات و جرائم کارکنان دولت و سوءاستفاده‌های مالی آنان از اموال سپرده شده به آنهاست. و به رغم تشدید مجازات مرتکبین جرم اختلاس، ارتکاب این جرم در سطح وسیعی همچنان ادامه دارد. اختلاس‌ها به ویژه توسط کارمندان بلندپایه، اهمیت موضوع را دوچندان می‌کند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل (۴۹) قانون یاد شده، دولت را موظف نموده تا ثروت‌های ناشی از اختلاس را گرفته و حسب مورد به بیت‌المال یا صاحب حق بازگرداند.

اما ابتدا اجازه بدهید تا بدانیم که اختلاس چیست؟ اختلاس عبارتست از: تصاحب همراه با سوء نیت اموال دولت یا اشخاص توسط مستخدم دولت که به حکم وظیفه در اختیار وی قرار داشته است؛ به نفع خود یا دیگری.

سوءاستفاده اخلاک‌گران از موقعیت اداری

جرم اختلاس به استناد قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری در حقیقت جرم عمدی بردن مال منقول

صندوق‌های بازنشستگی در نظام حقوقی ایران، از دیرباز همواره مشکلات عدیده‌ای داشته‌اند که مهم‌ترین محور آن مباحث مالی می‌باشند. نبود چشم‌اندازی از آینده و برنامه نامشخص در کنار مدیریت‌های غیرتخصصی و ناکارآمد، عدم شفافیت و تعارض و تورم قوانین، همگی با هم صندوق‌های بازنشستگی را به معضلی جدی در ایران بدل شده‌اند. طی سال‌های گذشته، در ایران، تعدد صندوق‌های بازنشستگی با برنامه‌ها و مقررات متعدد به خودی خود موجب گشته‌اند تا در نبود نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در کشور، تشتت و پراکندگی گسترده‌ای بر صندوق‌ها تحمیل شود. همیشه دولت‌های پیشین در ایران به صندوق‌های بازنشستگی به چشم حیات خلوتی که می‌توان منابع آن را به آسانی در اختیار گرفت، نگاه می‌کنند که این موضوع ناشی از تسلط بر ساختارهای اقتصادی و سیاسی است.

با توجه به مجازات تعیینی در قوانین کیفری در ایران اما هزینه اندکی که برای فساد اقتصادی مفسدین، به عنوان جریمه و مجازات تعیین یافته است نیز یک عامل مهم در افزایش فساد اقتصادی است. حال آنکه میزان تناسب بین جرم و مجازات عامل مهمی در جلوگیری از وقوع جرم است. افزون بر این مجازات باید بازدارنده باشد به نحوی که انجام فساد اقتصادی اعم از اختلاس، ارتشاء و... را برای مجرم از صرفه و سود ساقط کند. حالی آنکه در پرونده‌های اختلاس اشخاص شناخته شده، فرزندان وزرای سابق وزارتخانه‌ها و آقازاده‌ها وجود دارد.

مجله حقوق ما در رابطه با فساد مالی و اختلاس در صندوق‌های

دولت است. که ضرورت دارد تا به منظور تحقق این جرم مرتکب چند عمل را انجام دهد.

- نکته نخست: اینکه مال به مجرم تعلق ندارد

- دوم: مجرم باید نسبت به انجام عمل و نیز وارد ساختن ضرر به دولت قصد داشته باشد

- سوم: عمد مرتکب نیز به صرف «به قصد برداشت و تصاحب» محقق می‌گردد.

باید در نظر داشت که در علم جرم شناسی، اختلاس موسوم به جرم «یقه سفیدها» است. این افراد کسانی اند که با سوء استفاده از موقعیت و نفوذ اداری و... خود مرتکب جرائم «سودآور غیرخشن» می‌شوند. مهمترین و برجسته‌ترین مصادیق جرائم ارتكابی این جرم عبارت است از کلاهبرداری، فساد مالی (شامل ارتشاء؛ رشوه دادن و رشوه دریافت کردن) جرائم کاری و استخدامی، جرائم مربوط به نقض حقوق مصرف‌کنندگان و... می‌شود. برخی از این جرائم (یقه سفیدی) بزه دیده مستقیم و برخی بزه دیده غیرمستقیم دارند. که در هر دو فراز، جامعه و اعضای آن بزه دیده واقع می‌شوند.

از این رو تمام افراد جامعه باید به همکاری در مقابله با این جرائم تشویق شوند.

اگرچه در قوانین جمهوری اسلامی بیشترین مصادیق این جرائم، جرم انگاری شده؛ اما تناسب لازم در مقام مقایسه بین مصادیق مختلف این جرم با توجه به آثار آن‌ها صورت نگرفته است.

جرم اختلاس به واسطه سوءاستفاده از صلاحیت عمومی توسط مستخدم یا در حکم مستخدم دولتی صورت می‌گیرد. از برجسته‌ترین اختلاس‌های صورت گرفته همانا اختلاس از شرکت‌های دولتی به ویژه بانک‌ها (اختلاس بزرگ بانک ملی، صادرات، بانک سپه و...) و اکنون اختلاس و فساد مالی در صندوقهای بازنشستگی است.

قانون «تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری»، که در سال ۶۴ به تصویب مجلس رسید و توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷ اصلاح و تأیید نهایی شد، اگرچه ارقام مالی آن متناسب با زمان ما نیست، اما به هر حال برای مسئول کلاهبردار در هر یک از ارگان‌ها و نهادهای دولتی و انقلابی (مدیر کل به بالا) که بیش از یک میلیون ریال رشوه گرفته باشد نسخه‌ای شامل ۵ تا ۱۰ سال حبس، انفضال دائم از خدمات دولتی، جریمه مالی معادل رشوه و تا ۷۴ ضربه شلاق پیچیده است. اگر رشوه‌گیر در طرازی پایین‌تر از مدیر کل قرار داشته باشد به جای انفضال دائم از ۶ ماه تا سه سال از خدمات دولتی منفضل می‌شود. تشکیل شبکه‌ای برای کلاهبرداری مجازات افراد را سنگین‌تر می‌کند، یعنی حبس آنها از ۱۵ سال تا ابد تعیین شده است. حتی اگر تشکیل این شبکه مصادق فساد فی‌الارض باشد، مجازات آنها طبق احکام اسلام، اعدام است.

همچنین در ماده ۲۳ آمده است دادگاه می‌تواند حسب تشخیص خود، فرد محکوم را به حد، قصاص یا ... به یک یا چند مجازات تکمیلی مانند تبعید، منع از اشتغال به مشاغل عمومی و دولتی، منع از داشتن دسته چک، منع از خروج از کشور، منع از عضویت در احزاب و گروه‌های اجتماعی و ... محکوم نماید.

ماده ۳۶ از قانون مجازات اسلامی قوه قضائیه را موظف کرده است که حکم قطعی اختلاس، ارتشا، تبانی و ... را در مواردی که بیش از یک میلیارد ریال باشد، در رسانه‌ها منتشر کند.

در ماده ۴۷ آمده است که جرائم اقتصادی بیش از ۱۰۰ میلیون ریال مجاز به تعویق و تعلیق نیست.

ماده ۲۸۶ مقرر داشته اگر فساد اقتصادی به دلیل وسعت اخلال و شبکه‌سازی، در حکم افساد فی‌الارض باشد، مفسد به اعدام محکوم می‌شود. این بدان معناست که در غیر این صورت تعیین میزان تعزیر شامل حبس، جزای نقدی و شلاق با قاضی است. قاضی با توجه به انگیزه مرتکب، شیوه ارتکاب جرم، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم، سوابق وی، وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی وی و نهایتاً تأثیر تعزیر بر وی می‌تواند تعزیری را از درجه یک (حبس بیش از ۲۵ سال، جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال، مصادره کل اموال و انحلال شخص حقوقی) تا درجه هشت (حبس تا سه ماه، جزای نقدی تا ۱۰ میلیون ریال و شلاق تا ۱۰ ضربه) برای وی تعیین کند.

مبحث جرم اختلاس

رکن قانونی: عنصر قانونی جرم اختلاس و شروع به آن در حال حاضر ماده ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۴ و تأیید آن توسط مجمع تشخیص مصلحت، در سال ۱۳۶۷ است.

و البته به رغم تصویب قانون تعزیرات در سال ۱۳۷۵ و به ویژه قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و با توجه به جامعیت قانون تشدید در خصوص اختلاس، ماده ۵ این قانون همچنان به عنوان عنصر و رکن قانونی این جرم به قوه و اعتبار خود باقی است.

ماده ۵ قانون یاد شده تصریح می‌نماید: «هر یک از کارمندان، کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراها یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و... که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی قوای سه گانه مقننه، قضاییه و مجریه و نیز نیروهای مسلح و ماموران به خدمات دولتی اعم از رسمی و غیررسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هریک از سازمان‌ها و مؤسسات یاد شده و یا اشخاص را که برحسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید، «مُختَلِس» محسوب و مجازات خواهد شد.

مرتکب جرم اختلاس می‌بایست که از کارمندان و کارکنان دولت و یا ماموران به خدمت عمومی باشند.

مستخدم رسمی کسی است که به موجب حکم رسمی در یکی از پست‌های سازمانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول قانون استخدام کشوری شده باشد.

از جمله این افراد کارکنان قوه قضائیه یا از اجزایی هستند که تحت عنوان قاضی مشغول انجام وظیفه‌اند و یا از اجزای اداری محاکم‌اند. کارکنان قوه مقننه نیز دارای دو ماهیت کاملاً متفاوت هستند. بدیهی است که اگر وجوه عمومی در اختیار هر یک از کارکنان یاد شده قرار گیرد و موظف به نگهداری از آن باشند؛ اما به نفع خود و یا دیگری تصاحب نمایند، می‌توان آن‌ها را به عنوان «مُختَلِس» تحت تعقیب کیفری و مجازات قرار داد.

بدین سیاق مرتکب جرم اختلاس باید از کارمندان و کارکنان یاد شده در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین... باشد. افزون بر این بر اساس اصل ۱۴۲ قانون اساسی دارای رهبر نظام، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران، همسر و فرزندان آنان پیش و پس از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد!

در تحقق جرم اختلاس، خائن به سبب انجام وظیفه و سمتی که دارد مالی را که برحسب وظیفه و بر اساس شرح وظایف و روش‌های معمول در ادارات و سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها مامور به خدمات عمومی به او سپرده و تحویل شده است تصاحب می‌نماید.

بنابراین سپرده شدن مال و وجود وظیفه و سمت پیشین مرتکب از اجزاء اصلی عنصر مادی جرم اختلاس محسوب می‌گردد و مناط اعتبار اختلاس و تفاوت آن از ربودن و خیانت در امانت همانا وظیفه و سمت مرتکب جرم است.

کارمندان دولت افرادی هستند که به موجب قانون استخدام کشوری با داشتن شرایط خاص، به استخدام دولت در می‌آیند و از بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند، دارای سمت و عناوین رسمی سازمانی هستند. در حالی که مؤسسات عمومی که مأموریت انجام کارهای عام المنفعه عمومی را بر عهده دارند مانند شهرداری‌ها و نهادها... به حیث استخدامی و بودجه و تشکیلات به نحو خاصی اداره می‌شوند. اگرچه اقدام آن‌ها نیز در انجام وظایف محوله نسبت بر اموال سپرده شده به علت اعتماد عمومی به آن‌ها در صورت تحقق خیانت، اختلاس شناخته می‌شود.

از دیگر فراز با توجه به خصوصی‌سازی در کشورهای جهان و کاهش تصدیات دولتی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا اختلاس از رکن خصوصی متصور است؟



رکن مادی: به منظور تحقق جرم اختلاس مرتکب باید نسبت به مال و یا اشیاء دیگری که به حیث وظیفه به او سپرده شده خیانت نماید، با توجه به مراتب یاد شده در مقایسه ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس،... با ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی، ملاحظه می‌گردد که مقنن در جرم اختلاس دو خصوصیت «مأمور دولت» و برحسب «وظیفه» را به جرم خیانت در امانت به مفهوم «اخص» افزوده است. به دیگر بیان، یکی از مفروضات جرم خیانت در امانت به معنای اخص، جرم اختلاس است که اختلاف آن با خیانت در امانت در این است که مرتکب آن مأمور دولت بوده و نسبت به اموال متعلق به دولت یا اموالی که از سوی اشخاص نزد دولت به امانت گذاشته شده و به حیث شغل یا مأموریت؛ نزد وی می‌باشد، مرتکب خیانت می‌گردد.

به منظور تحقق رکن مادی جرم اختلاس موارد زیر مطمح نظر است: - بیست مرتکب:

در حقیقت این پرسش دو نکته را در بر دارد که در تحقق جرم اختلاس کارمند دولت بودن شرط است یا اینکه معیار تحقق این جرم در اختیار داشتن اموال دیگران بر حسب وظیفه و تصاحب آن‌ها به نفع خود یا دیگری است؟

در این خصوص می‌توان به بررسی ماده ۵ قانون یاد شده پرداخت که قانونگذار در این ماده «کارمند دولت بودن» را یکی از عناصر تحقق جرم اختلاس می‌داند و حتا در این باره اداره حقوقی قوه قضائیه نیز نظریه مشورتی ارائه داده است: «اصل بر این است که تصرف و تصاحب در اموال متعلق به دولت، سپرده شده در حکم اختلاس است.»

هرگاه مرتکب اموال یاد شده در ماده ۵ را به نفع خود یا دیگری تصاحب نماید یعنی آن‌ها را از آن خود انگاشته و وارد مایملک خود یا دیگری نماید، جرم اختلاس تحقق می‌یابد.

رکن معنوی جرم اختلاس

اختلاس از جمله جرایم عمدی است و برای تحقق عمد، لازم است که تصاحب یا از بین بردن مال متعلق به دولت یا اشخاص که در ید آمانی مرتکب بوده است، معلول سوء نیت و قصد آگاهانه کارمند باشد و افزون بر این، باید متضمن انتفاع شخصی مُختلس یا شخص دیگری باشد.

به سخنی دیگر تحقق عنصر روانی جرم موکول به وجود عمد عام مرتکب در تصاحب مال و وجود سوء نیت خاص در اضرار دولت یا افراد دیگر است. این جرم نیز مانند سایر جرائم دارای ارکانی چون «وقوع جرم، سوء نیت و یا اتلاف عمدی» احراز شده است.

بر این پایه دو نوع سوء نیت عام و خاص در جرم اختلاس وجود دارد: - سوء نیت عام: در جرم اختلاس همان قصد برداشت و تصاحب اموال یا اشیاء به نفع خود یا دیگری است.

سوء نیت خاص: تحصیل منفعت برای مرتکب و اضرار دولت است. در واقع باید بین عمل مرتکب و حصول نتیجه که همان تحصیل مال یا نفع است؛ رابطه علیت وجود داشته باشد.

از دیگر اهرم‌های متنوع قانونی برای مبارزه با فساد اقتصادی، قانون محاسبات عمومی است که در ماده ۳۱ آن شخص ذیحساب به عنوان مامور وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف شده که بر امور مالی و محاسباتی دستگاه‌ها و صحت و سلامت حساب‌های آن نظارت کند. مامور یادشده وظیفه دارد به موجب ماده ۵۳ قانون محاسبات عمومی تمامی پرداخت‌ها را با قوانین و مقررات تطبیق داده تا در صورتی که دستور خرج مسئولین دستگاه‌های موردنظر، خلاف قوانین و مقررات بوده از آن پرداخت جلوگیری و در صورتی که مسئولین بر دستور غیرقانونی خود اصرار داشته باشند، شخص

ذیحساب برپایه ماده ۹۱ قانون محاسبات عمومی جریان را به وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات گزارش کند.

- نظارت مستمر دیوان محاسبات کشور (از ادارات تابعه مجلس شورای اسلامی) بر رعایت قانون بودجه در تمام ارگان‌ها.

- نظارت پسینی مجلس بر تمام ارگان‌ها با استفاده از حق تحقق و تفحص - نظارت پسینی قوه قضائیه (به ویژه از طریق دادستان کشور) بر تمام ارگان‌های حکومتی بر اساس قانون مجازات اسلامی - نظارت پیشینی و پسینی قوه قضائیه بر رعایت قوانین در همه ارگان‌های حکومتی از طریق سازمان بازرسی کل کشور - نظارت مستمر وزارت اطلاعات بر همه ارگان‌ها.

- رسیدگی کمیسیون اصل نود در مجلس شورای اسلامی به شکایات مردمی در مورد ارگان‌ها.

- در نخستین نگاه، این نظارت‌های متنوع می‌تواند مشکلات زیادی ایجاد کند مانند اینکه هر ارگانی وظیفه رسیدگی به یک پرونده را به ارگانی دیگر احاله دهد، از این رو در سال ۱۳۸۶، شورای عالی نظارت و بازرسی قوه قضائیه تشکیل شد تا برخی از این نظارت‌ها را با هم هماهنگ کند.

- در قانون مجازات اسلامی؛ از جمله در فصل یازدهم، برای جرایمی نظیر ارتشا، ربا و کلاهبرداری به عنوان جرایم مهم مالی، مجازات‌هایی سنگین پیش‌بینی گردیده است. بنابراین هر مستخدم دولتی در هر یک از قوای سه گانه یا سایر دستگاه‌ها و نهادها، جوهری تحت این عنوان دریافت نماید به مجازات مذکور محکوم می‌شود. در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی که یکی از بهترین مواد این قانون می‌باشد، استفاده غیرمجاز از وجوه و اموال عمومی و دولتی و اهمال و تفریطی که موجب تضییع بیت‌المال شود مستلزم مجازات گردیده است. در ماده ۵۹۹ تدلیس و فریبکاری در انجام معاملات یا انجام وظایف محوله و در ماده ۶۰۰ وصول درآمدهای غیرقانونی توسط مسوولین دولتی و در ماده ۶۰۱ احتساب وجوه یا فعالیت‌های انجام نگرفته به حساب دولت و در ماده ۶۰۳ احتساب سود و نفع و منفعت در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه‌های دولتی توسط مسوولین و کارکنان این دستگاه‌ها مستلزم مجازات ۶ ماه تا ۵ سال شناخته شده است.

همچنین در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب پانزدهم آذر ۱۳۶۷ نیز قانونگذار مجازات‌هایی را برای اشخاصی که مرتکب اعمال مجرمانه مذکور می‌شوند، پیش‌بینی کرده است. در ماده ۴ این قانون در صورتی که عمل افراد مذکور به صورت شبکه‌ای باشد و مصداق افساد فی‌الارض را داشته باشد، مرتکب به اعدام محکوم می‌شود. موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب

هفدهم مرداد ماه ۱۳۶۳، در اصل ۴۹ قانون اساسی دولت موظف گردیده ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سواستفاده از موقوفات، سواستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد مالی و سایر موارد نامشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد. اگر دادگاه احراز کند که ثروت نامشروع از ارتکاب جرم حاصل شده، مجرم را به مجازات لازم محکوم می‌کند و مال نیز به صاحب آن یا بیت المال داده می‌شود.

- سازمان بازرسی کل کشور در راستای اجرای اصل ۷۴ قانون اساسی و به موجب قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور تشکیل و براساس ماده ۲ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور، وظیفه بازرسی مستمر تمام وزارتخانه‌ها و ادارات و انجام بازرسی‌های فوق‌العاده و اعلام موارد تخلفات و نارسایی‌ها و سو جریانات اداری و مالی را به عهده دارد.

این در حالی است که براساس گفته وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت سیزدهم/ابراهیم رئیسی، در صندوق‌ها مواردی وجود داشته است که بر اساسنامه یک مقام دولتی، هزینه‌های پرداخت شد؛ نامه‌ای که اعتبار قانونی نداشت، اما صندوق‌ها به آن ترتیب اثر داده بودند که اکنون بین حساب و کتاب ارکان مالی دولت و صندوق‌ها با چالش مواجه شده‌ایم. براساس این گزارش، همچنین دولت قبل یعنی دولت روحانی، بدون نظم و انضباط، تعهدات قانونی را در قبال صندوق‌ها داشت که بدهی هنگفت و دیون جاری آن‌ها است که زیر بار پرداخت آن هم نرفته بود.

صندوق‌های زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دارای ۶۰۰ شرکت زیرمجموعه هستند که بخش مهمی از اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهند. در دولت گذشته این شرکت‌های با انتصاب‌های سیاسی محلی برای سوء استفاده اشخاص و مفسدان اقتصادی شده بود که در پرونده‌ها ردپای آفازاده‌ها نیز در آن به چشم می‌خورد. کسری این صندوق‌ها به ترتیب در سال ۱۴۰۵ به بیش از ۸۰۰ هزار میلیارد تومان و در سال ۱۴۲۰ به ۴۳ هزار هزار میلیارد تومان خواهد رسید. از این بیش حسین عامریان مدیرعامل صندوق بازنشستگی فولاد درباره وضعیت این صندوق به خبرنگار ایرنا می‌گوید، به دلیل عدم مدیریت صحیح و سو مدیریت بعضی از مدیران گذشته، ۸۰۰ پرونده حقوقی در مجموعه این صندوق وجود دارد که ارزش آن ۱۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

یکی از نهادهایی که در آن شاهد فساد گسترده هستیم و اعتراضاتی هم به دنبال داشته، صندوق بازنشستگی است، این صندوق چگونه کار می‌کند و چه ضعف‌های قانونی باعث شده تا

چنین اختلاسی در آن صورت بگیرد؟

صندوق‌های بازنشستگی در نظام حقوقی ایران، از دیرباز همواره مشکلات عدیده‌ای داشته‌اند که مهم‌ترین محور آن مباحث مالی می‌باشند. نبود چشم‌اندازی از آینده و برنامه نامشخص در کنار مدیریت‌های غیرتخصصی و ناکارآمد، عدم شفافیت و تعارض و تورم قوانین، همگی با هم صندوق‌های بازنشستگی را به معضلی جدی در ایران بدل شده‌اند. طی سال‌های گذشته، در ایران، تعدد صندوق‌های بازنشستگی با برنامه‌ها و مقررات متعدد به خودی خود موجب گشته‌اند تا در نبود نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی در کشور، تشتت و پراکندگی گسترده‌ای بر صندوق‌ها تحمیل شود. همیشه دولت‌های پیشین در ایران به صندوق‌های بازنشستگی به چشم حیات خلوتی که می‌توان منابع آن را به آسانی در اختیار گرفت، نگاه می‌کنند که این موضوع ناشی از تسلط بر ساختارهای اقتصادی و سیاسی است.

در این باره ماده ۱۰۱ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ تصریح می‌دارد: « وجوه صندوق بازنشستگی منحصرًا برای پرداخت حقوق بازنشستگی و وظیفه و استرداد کسور بازنشستگی است و به هیچ عنوان نباید به مصرف دیگر رسد. متخلفین در حکم مختلسین اموال دولتی محسوب خواهند شد.»

در ایران به سبب سیاست‌های نادرست اتخاذ شده، و با احتساب درآمدهای نفتی قابل توجه، که سرمایه ارزشمندی بودند، اما به دلیل نبود تفکر منطقی قانون‌گذاران و عدم اهتمام جدی دولت، هم اکنون شاهد این هستیم که صندوق‌های بازنشستگی در وضعیت نگران‌کننده و هشدارآمیزی قرار گرفته‌اند.

عملکرد و ضعف‌های صندوق‌های بازنشستگی

در نظام تامین اجتماعی در ایران، صندوق‌های بازنشستگی مختلفی فعالیت دارند. از سازمان تامین اجتماعی، صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، صندوق بازنشستگی کشوری تا صندوق بازنشستگی فرهنگیان و... این صندوق‌ها به منظور ارائه خدمات به بازنشستگان نهاد‌های دولتی و غیردولتی تاسیس شده‌اند. بر اساس مواد ۲ و ۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی و برخی قوانین دیگر همچون قانون فهرست نهادها و موسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳ با الحاقات بعدی، می‌توان به طور کلی همه آنها را از منظر ماهیت حقوقی به موسسه عمومی غیرحقوقی، موسسه دولتی و موسسه خصوصی تقسیم کرد.

صندوق‌های بازنشستگی با هر ماهیت حقوقی، مانند سایر نهاد‌های مالی، یک نظام ساختاری دارند و بی‌تردید هرگونه اخلاص همچون فساد مالی، اختلاس و... در ساختار این نهادها بر عملکرد آن، تاثیر

منفی برجای خواهد گذاشت.

این صندوق‌ها در نظام تامین اجتماعی ایران، بیانگر بخشی از بحران مالی صندوق‌ها و ناتوانی آنها در ایفای تعهدات در برابر بیمه شدگان، است که ریشه در مشکلات ساختاری دارد.

ناکارآمدی نظام مدیریت

در نظام تامین اجتماعی، بخش بزرگی از مشکلات ناشی از مسائل مدیریتی است که مهمترین آن از منظر متخصصان، موثر در عملکرد درست صندوق‌ها است، که شامل ضعف نظام اداری، مدیریت دولتی و انتصاب مدیران غیرمتخصص و غیرحرفه‌ای است.

ضعف نظام اداری

نظام اداری هر کشوری از عناصر متعددی چون منابع انسانی (مدیران و غیرمدیران)، ساختار و تشکیلات، فرایندها و روش‌ها تشکیل شده که افزون بر دستگاه‌های دولتی در موسسات عمومی غیردولتی نیز وجود دارد. حال آنکه نظام اداری در ایران بشدت دچار ضعف و ناکارآمدی است. وجود نهادهای دولتی با وظایف مشابه و موازی، افزایش سلسله مراتب اداری و سطوح مدیریتی «دیوانسالاری و بروکراسی پیچیده و حجیم، کمبود انگیزه در نیروی انسانی و به روز نبودن اطلاعات فنی و تخصصی کارکنان، مهمترین مشکلات نظام اداری اند.

براین اساس نارسایی‌های ساختاری نظام اداری، می‌تواند موجب دور ماندن صندوق‌ها از عملکرد بهتر آنها شود. به همین جهت موضوع تامین اجتماعی در ایران، یک مقوله «حاکمیتی» است. حال آنکه، بند «الف» ماده ۵۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ با اصلاحات بعدی مقرر می‌دارد، «در خصوص مدیران حرفه‌ای در انتخاب و انتصاب افراد به پست‌های مدیریت حرفه‌ای لازم است شرایط تخصصی لازم تعیین گردد...»

براین اساس نمی‌توان گفت که از آنجا که موسسات عمومی غیردولتی با توجه به ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری نمی‌شوند، برخورداری از شرایط مدیریت حرفه‌ای در مورد آنها ضروری نیست.

نارسایی‌های قانونی و اجرایی

در بسیاری از کشورهای جهان، قواعد نظارت درونی و بیرونی بر صندوق‌های بازنشستگی در قوانین پیش‌بینی شده است. در نظام تامین اجتماعی ایران نیز قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، به موضوع نظارت بر صندوق‌ها توجه نشان دادن اهمیت نظارت در این قانون به حدی است که یکی از اصول و سیاست‌های



داده در این صندوق‌ها تشکیل شد که یکی از مهم‌ترین این صندوق بازنشستگی فولاد است که دارای بیش از ۸۰۰ پرونده قضایی به ارزش ۱۰ هزار میلیارد تومان تخلف است.

مداخله دولت در صندوق‌های بازنشستگی

دولت‌ها به منظور حمایت از حقوق تامین اجتماعی اشخاص، معمولاً در بیمه‌های اجتماعی دخالت می‌کنند. اما به حیث تخصصی، این دخالت‌ها باید محدود به وضع قوانین و نظارت بر نهادهای تامین اجتماعی باشد و از آن فراتر نرود، زیرا دخالت سیاسی و مالی ناروا به استقلال صندوق‌های بازنشستگی بشدت آسیب می‌رساند، همانگونه که اکنون در کشورمان مشاهده می‌کنیم.

دخالت سیاسی در این صندوق‌ها به دو صورت انجام می‌گیرد: نخست؛ تلاش مقامات عالی سیاسی برای وضع قوانین خاص یا نسخ قوانین مرتبط با صندوق‌ها برای تحقق وعده‌های انتخاباتی به اعضای صندوق‌های بازنشستگی پس از پیروزی در انتخابات.

دوم؛ حضور مقامات سیاسی یا نمایندگان آنها در هیات مدیره صندوق‌ها. مداخله سیاسی در صندوق‌ها با این شیوه‌ها موجب

تضعیف استقلال صندوق‌ها شده که در نظام حقوقی بسیاری از کشورها همچون سوئد به موجب قانون ممنوع شده است. حال آنکه وجود تبعات نامطلوب این موضوع در ایران، عملکرد صندوق‌های بازنشستگی از گذشته تاکنون، به شدن متاثر از نظر و دخالت‌های سیاسی مقامات دولتی بوده و همواره تحت تاثیرمداخلات سیاسی قرار دارند.

بسیاری از صندوق‌های بازنشستگی در گردونه تمهیدات سیاسی ناگزیر شده‌اند که بار حمایتی در جریان انتخابات را برعهده گیرند و یا به جبران ناکارایی بخش‌های دیگر اقتصاد وارد میدان شوند و در نتیجه آحاد بیمه‌گذاران را مغبون سازند.

راهکار: اعمال نظارت جامع و مؤثر

با توجه به اینکه در سال‌های گذشته رشد ضریب ارزش اختلاس یعنی رشد میزان مبالغ بسیار هنگفت اختلاس رو به فزونی نهاده است. حل چنین مشکلی از طریق اعمال نظارت جامع و مؤثر چه به صورت درون سازمانی و یا به صورت برون سازمانی محقق می‌گردد.

اگرچه نظارت درون سازمانی می‌تواند اثربخش تر، سریع‌تر و شفاف‌تر باشد، اما به حیث وجود مشکلات ساختاری و حتا فرهنگی نظارت درون سازمانی در کشور، اکنون پاسخگو نیست!

در زمینه نظارت حقوقی در جمهوری اسلامی مشکلات متعددی وجود دارد؛ این مشکلات را می‌توان در دو مجموعه متفاوت بررسی نمود.

نخست اینکه، مشکلات مربوط به ناظر در مجموعه نخست قرار دارد که شامل، عدم امکانات لازم برای اعمال نظارت جامع، وابستگی مالی ناظر به نظارت شونده، احتمال فساد ناظر، قوانین غیرکارشناسی، ناکارآمد و نظارت گریز می‌شود. مجموعه دوم، نیز مشکلات مربوط به مقام تحت نظارت قرار دارد که شامل: میل وافر به استثناء شدن از قانون، عدم نظارت مؤثر بر دستگاه‌های اجرایی به ویژه شرکت‌های تجاری و عدم پاسخگویی است.

و جالب‌تر اینکه چندی پیش از رئیس سازمان بازرسی کل کشور پرسش شد که در خصوص فسادهای اقتصادی و مالی به نظر می‌رسد که با وجود تمامی تاکیدات، روند فساد اقتصادی ادامه دارد، و چرا این موارد رخ می‌دهد؟ پاسخ داده شد که «ما در دستگاه‌ها بیشتر اشکالات ساختاری داریم، ساختارها کامل و دقیق نیست و امکان تخلف همواره وجود دارد. هرچند که ما تلاش می‌کنیم تا جلوی تخلفات را بگیریم، تخلفی دوباره و سنگین‌تر روی می‌دهد؛ زیرا ساختارها همچنان از نقص‌های جدی در رنج هستند و معیوب‌اند.»

بدین سان از نابخشودنی است که پرونده‌های بزرگ و کوچک همچنان مشاهده می‌گردد که اگر بخواهیم در حوزه اقتصادی و مبارزه با فساد، رویداد خوبی رخ دهد، باید نظام‌های بانکی اصلاح شود و نظارت

دقیق‌تر و گسترده‌تر بر اجرای قوانینی گردد که قانونگذاران جمهوری اسلامی خود تدوین نموده‌اند. هرچند که در حال حاضر پرونده‌هایی چند در دیوان محاسبات مفتوح است.

ایجاد یک «نهاد متولی و مسئول» در زمینه بررسی و اصلاح قوانین ضعیف و ناکارآمد موجود. طرح و پیگیری این مشکل از سوی کارشناسان اجتماعی در قالب پیشنهادها و یا اعلام لوایح مؤثر به سازمان‌های مربوطه. بخشی از این مشکل بر عهده مجلس و بخش دیگر آن مربوط به دستگاه‌ها و سازمان‌های اجرائی است که باید به عنوان اولویت در کمیسیون مجلس شورای اسلامی مطرح گردد.

اساساً دو مشکل عمده در این راستا وجود دارد، اول اینکه اجرا نکردن قوانین و دوم، بحث قوانین ناقص یا مانع است که در این زمینه باید دستگاه‌های مجری، آنها را پیگیری نموده و به مجلس ارائه دهند.

وضعیت حاکم بر صندوق‌های بازنشستگی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا

الگویی که کشورهای اتحادیه اروپا در مورد صندوق‌های بازنشستگی به کارگرفته‌اند، نشان از آینده‌نگری، توامان با جامع‌نگری دارد، چنان که به سیاست اشتغال، در کنار فراگیری برای تمام اقشار جامعه، توجه شده است. آنچه که در ساماندهی و الگو صندوق‌های بازنشستگی کشورهای اتحادیه اروپا، می‌تواند برای سیاست‌گذاران در ایران مورد توجه باشد؛ توجه به سیاست‌های اقتصادی و جمعیت‌شناختی، در کنار نظم بخشیدن به مقررات قانونی، حذف تدریجی تشکیلات اضافی و کاهش هزینه‌ها، برای استمرار خدمات صندوق‌ها است. اصلاحات در نظام صندوق‌های بازنشستگی ایران، مستلزم رویکردی همه‌جانبه در سیاست‌گذاری‌ها و عزمی قوی برای آغاز تغییرات بنیادین است.

از منظر جامعه‌شناسی نهاد بازنشستگی و تشکیلات پیچیده کنونی تامین اجتماعی کشورهای اتحادیه اروپا، ریشه در زمینه‌های تاریخی، سیاسی و اجتماعی این کشورها دارد؛ زیرا تحولات دولت، به ویژه دولت رفاه، تا حدود زیادی بر شکل‌گیری و نحوه کیفیت خدمات ارائه شده به افراد بازنشسته و فعالیت صندوق‌های بازنشستگی، آثار خود را بر جای نهاده است. کشورهای حوزه نوردیک (اسکاندیناوی)

نیز نخستین کشورهایی بودند که در دهه ۱۹۳۰ میلادی نخستین صندوق‌های بازنشستگی به شکل امروزین را تاسیس کردند. این دولت‌ها که هنوز هم به‌عنوان دولت‌های رفاه شناخته می‌شوند، همواره نزدیک به نیمی از تولید ملی‌شان مربوط به حوزه تامین اجتماعی و بازنشستگان و سایر حوزه‌های رفاهی می‌شود. در سوئد و بیشتر کشورهای حوزه اسکاندیناوی حقوق بازنشستگی به ازای

۱۸.۵ درصد متوسط درآمد محاسبه می‌شود که مقدار قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. این رقم به‌طور متوسط ۴۴ هزار کرون سوئد است که رقم قابل توجهی باتوجه به سطح استاندارد زندگی در سوئد محسوب می‌شود.

آیا در رابطه با فساد مالی، عدم تناسب بین جرم و مجازات باعث نشده که ما به کرات شاهد فساد در ارگان‌های مختلف باشیم؟

عدم تناسب جرم و مجازات اختلاس در ایران، برپایه ماده ۲ قانون مجازات اسلامی «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.» همچنین براساس اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» و در ماده ۱۲ قانون مجازات اسلامی تصریح شده است:

«حکم به مجازات یا اقدام تامینی و تربیتی و اجرای آنها باید از طریق دادگاه صالح، به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.» در ماده ۱۳ همین قانون نیز آمده است: «حکم به مجازات یا اقدام تامینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت المال جبران می‌شود.»

در قانون مجازات اسلامی نیز که در سال ۱۳۹۲ تجدید شد، در مواد متعددی به تعیین مکافات فساد اقتصادی پرداخته است، ماده ۲۰ دادگاه را مجاز می‌کند متناسب با جرم شخص حقوقی، وی را علاوه بر مجازات اصلی که در ماده ۱۸۶ آمده است، به یک تا دو مورد از مجازات‌های تکمیلی زیر نیز محکوم نماید.

– انحلال شخص حقوقی – مصادره کل اموال – ممنوعیت اشتغال در یک یا چند شغل اجتماعی یا به‌طور دائم و یا موقت حداکثر ۵ سال – ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به‌طور دائم یا حداکثر ۵ سال

– ممنوعیت از اصدار برخی اسناد تجاری حداکثر تا ۵ سال – جزای نقدی...

با توجه به مجازات تعیینی در قوانین کیفری در ایران اما هزینه اندکی که برای فساد اقتصادی مفسدین، به‌عنوان جریمه و مجازات تعیین یافته است نیز یک عامل مهم در افزایش فساد اقتصادی است. حال آنکه میزان تناسب بین جرم و مجازات عامل مهمی در جلوگیری از وقوع جرم است. افزون بر این مجازات باید بازدارنده باشد به نحوی که انجام فساد اقتصادی اعم از اختلاس، ارتشاء و... را برای مجرم از

صرفه و سود ساقط کند. حالی آنکه در پرونده‌های اختلاس اشخاص شناخته‌شده، فرزندان وزرای سابق وزارتخانه‌ها و آقازاده‌ها وجود دارد.

محسنی‌اژه‌ای بیست و یکم آبان ۱۳۹۹ که آن زمان معاون اول قوه قضاییه بود در مراسم تکریم و معارفه رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تهران گفت: «مجازات باید متناسب با جرم باشد و معتقدم باید یک دستورالعمل در زمینه تناسب جرم و مجازات تهیه کنیم.» وی افزود: «مجازات باید با متهم یا مجرم، شخص فاعل، نوع کار و آثاری که از کار پیش می‌آید و اثر سوئی که در جامعه دارد، تناسب داشته باشد.»

حال آن که به موجب قانون مجازات اسلامی ماده ۱۸۶ خلال در نظام اقتصادی کشور، یعنی جرایم اقتصادی در سطح کلان را افساد فی الارض در نظر گرفته است و برای مرتکب آن مجازات اعدام تعیین شده است اما در پرونده‌های جرایم اقتصادی دادگاه‌ها برای «مختلسین خودی» از این ماده قانونی به‌عنوان «تعیین مجازات» بندرت استفاده می‌کنند. از جمله موارد دیگری که جرم اقتصادی دانسته می‌شود می‌توان به رانت و رانت‌خواری، احتکار، قاچاق ارز و کالا، اخلال در گمرک، ربا و... اشاره نمود.

آیا برای مقابله با فساد و اختلاس در دستگاه‌ها و سازمان‌ها و بنگاه‌های مالی و اقتصادی نیاز به وضع قوانین جدید داریم؟

نظام تامین اجتماعی ایران در دهه گذشته با چالش‌ها و مشکلات بسیاری همراه بوده است. قسمت عمده آن به مشکلات صندوقه‌ای بازنشستگی فعال در ایران باز می‌گردد.

مشکلات اساسی بسیاری از صندوق‌ها، از جنس مشکلات «مالی» است که خود با عوامل گوناگونی همپیوند است. یکی از این عوامل را می‌توان به‌عنوان مشکلات ساختاری از جمله مشکلات مدیریت، نظارت و استقلال صندوق‌ها دانست.

در خصوص عدم مدیریت صندوق‌های بازنشستگی می‌توان گفت که، ناکارآمدی نظام اداری در ایران، مدیریت دولتی صندوق‌ها، انتصاب مدیران غیرحرفه‌ای و غیرتخصصی از برجسته‌ترین مشکلات مدیریتی هستند. مشکل دیگر متناظر است بر عدم نظارت بر این صندوق‌ها.

اکنون، نظام تامین اجتماعی ایران از نوعی پراکندگی، منقصت و ناهماهنگی میان صندوق‌های بازنشستگی در رنج است. صندوق‌های فعال بازنشستگی به‌نهاد ویژه‌ای چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وابسته است و بدون هماهنگی با یکدیگر، به نحوی مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند.

به نحوی که در نبود یک نهاد برتر که در ضمن هماهنگی میان آنها بر این صندوق‌ها نظارت داشته باشد، به آنها آزادی عمل فراوان در

نحوه مصرف منابع صندوق داده شده است. فقدان نهاد ناظر بیرونی و برتر از صندوق‌ها، موجب اقدامات خودسرانه مدیران صندوق‌ها شده است.

از این بیش، همراه این موارد، ابهامات قانونی و فقدان شفافیت در اقدامات و تصمیمات صندوق‌ها نیز وجود دارد که امر نظارت را با دشواری گسترده‌ای مواجه ساخته است. البته در مسیر رفع این مشکلات، اصلاح قوانین و مقررات کنونی برای ایجاد سازوکارهای نظام‌مند برای گزارش دهی صندوق‌های بازنشستگی ممکن است مشکلات همپیوند با نظارت بر صندوق‌ها را مرتفع نماید.

فراتر از این در خصوص مشکل ساختار، یعنی ضعف استقلال صندوق‌ها می‌توان گفت؛ تا زمانی که صندوق‌های بازنشستگی در ایران وابستگی مالی به دولت دارند، نمی‌توان به استقلال آنها به‌هیچ‌مالی و غیرمالی امید داشت. زیرا کمک دولت به صندوق‌ها موجب گشته که دولت برای خود سهمی در اداره این نهادها قائل شود. برون رفت از این مشکل، در درجه نخست در گرو حل مشکلات مالی صندوق‌ها و سپس ایجاد سازوکارهای قانونی برای تضمین اسقلال صندوق‌های بازنشستگی است. اهتمام و جدیدیت بر اجرای صحیح قانون ساختار نظام جامع رفاه تامین اجتماعی ممکن است بتواند این مشکل را مرتفع نماید.

ایجاد یک «نهاد متولی و مسئول» در زمینه بررسی و اصلاح قوانین ضعیف و ناکارآمد موجود.

طرح و پیگیری این مشکل از سوی کارشناسان اجتماعی در قالب پیشنهادها و یا اعلام لوایح مؤثر به سازمانهای مربوطه.

بخشی از این مشکل بر عهده مجلس و بخش دیگر آن مربوط به دستگاهها و سازمان‌های اجرائی است که باید به‌عنوان اولویت در کمیسیون مجلس شورای اسلامی مطرح گردد.

اساساً دو مشکل عمده در این راستا وجود دارد:

اول اینکه، اجرا نکردن قوانین و دوم بحث قوانین ناقص یا مانع است که در این زمینه باید دستگاه‌های مجری، آنها را پیگیری و به مجلس ارائه دهند.

اگرچه فسادسیستمی، نظریه حقوقی نظام و درهم تنیدگی آن با حقوق اقتصادی در چنین ساختاری قابلیت اصلاح پذیری حقوق ندارد.

از دیگر فراز بحث حق از نگاه نظامیان و امنیتی‌ها همچون سپاه پاسداران و... یک مفهوم پایین دستی است و آنان خود را منشاء موجهیت و واضع حقوق می‌دانند، زیرا قدرت سخت افزاری برایشان مصونیت‌گذار از حقوق مصوب اقتصادی می‌آورد.



نقی محمودی

«حقوق بازنشسته زیر عباس است امروز!»

است. البته ناگفته پیداست که این قشر از جامعه، در زمان اشتغال نیز از اعاشه‌ی مساعدی برخوردار نبوده و همواره کمرشان زیر فشارهای مالی خمیده است. خواست و مطالبات بازنشستگان در ایران، امور خارق العاده‌ای را شامل نمی‌شود و اساسا اجرا و اعمال همان قوانینی است که پیشتر به تصویب مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی رسیده؛ یا این‌که شامل تعدیل حقوق متناسب با تورم افسار گسیخته و افزایش روزانه‌ی قیمت کالاها و اقلام اساسی خورد و خوراک است. با این وصف، عکس‌العمل ارگان‌های دولتی جمهوری اسلامی، عدم قبول این مطالبات و عکس‌العمل ارگان‌های، نظامی، انتظامی و به اصطلاح امنیتی، متفرق کردن معترضان و گاه برخورد فیزیکی و بازداشت آن‌ها بوده است - رویه‌ای که در تمام سال‌های حاکمیت جمهوری اسلامی، از بدو تاسیس تا به حال ثابت مانده است. در کنار چنین رویکرد غیر انسانی حاکمیت، اختلاس‌های میلیاردی در همان سازمان تأمین اجتماعی، نشانگر عمق ناکارآمدی و فساد ریشه‌دار در ارکان جمهوری اسلامی است.

مطالبات اصلی بازنشستگان

۱ - اجرای ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی: همان‌گونه که در مقدمه اشاره کردم، خواست بازنشستگان، امور خارق‌العاده و غیر ممکن نبوده، بلکه اجرای درست مقررات و قوانین مصوب خود جمهوری اسلامی است.

یکی از همین قوانین، اجرای مقررات قانون تأمین اجتماعی، خاصه ماده‌ی ۹۶ آن است. ماده‌ی ۹۶ مقرر می‌دارد: سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازمندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یک بار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیأت وزیران به همان نسبت افزایش دهد.

اگر افزایش ماهانه و هفتگی اقلام اساسی را که رابطه‌ی مستقیمی با حیات و ممت انسان‌ها دارد در نظر بگیریم، حتی اعمال و اجرای همین ماده، کمک شایانی به معاش بازنشستگان نمی‌کند. چرا که افزایش ضرباهنگ قیمت‌ها در ایران، خاصه در ماه‌های گذشته، با سرعت سرسام‌آوری در جریان است.

۲ - مصوبه شورای عالی کار در راستای افزایش حقوق بازنشستگان: پس از بسط اعتراضات بازنشستگان در اکثر شهرهای ایران، تقریباً یک ماه قبل، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، مجبور به تصویب افزایش حقوق بازنشستگان شد. البته هنوز مقررات افزایش حقوق بر حقوق بازنشستگان اعمال و تطبیق نشده است.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، براساس مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی، افزایش مبلغ مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی هر سال به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، به نحوی که حداقل دریافتی مستمری‌بگیران از حداقل حقوق مصوب همان سال کارگران کمتر نباشد.

وفق مصوبه شورای عالی کار مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۹ حداقل دریافتی کارگران برای سال ۱۴۰۱ به مبلغ پنج میلیون و ۵۸۰ هزار تومان در ماه رسید. در خصوص حداقل حقوق بازنشستگان، از کارافتادگان و مجموع مستمری بازمندگان سازمان تأمین اجتماعی که به موجب قوانینی از جمله مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی نباید از حداقل مزد کارگری کمتر باشد، با رعایت قوانین مربوط و لحاظ مصوبه شورای عالی کار، میزان دریافتی آنان معادل حداقل حقوق و دستمزد کارگران شاغل تعیین و با افزایش ۵۷/۴ درصدی همراه خواهد بود، به نحوی که از پنج میلیون و ۵۸۰ هزار تومان تومان کمتر نباشد.

در رابطه با مستمری از کارافتادگان جزئی و نیز سایر افرادی که مستمری آنان به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه برقرار شده است به همان نسبت و مبتنی بر مصوبه فوق افزایش خواهد یافت. با توجه به حکم قانون بودجه سال ۱۴۰۱ (مصوب مجلس شورای اسلامی) در خصوص صندوق‌های مختلف بازنشستگی (مبنی بر رشد ۱۰ درصدی حقوق بازنشستگان) و در راستای هماهنگ‌سازی پرداخت حقوق

در کلیه صندوق‌های بازنشستگی، برای این دسته از مشمولین که دارای دریافتی بیش از حداقل باشند، افزایش ۱۰ درصدی اعمال می‌شود. نیز به منظور کمک به معیشت مستمری‌بگیران بالاتر از حداقل، علاوه بر ده درصد مذکور، مبلغ ۶۵۰ هزار تومان (تا سقف دریافتی ماهانه ده میلیون تومان) به صورت ماهانه پرداخت خواهد شد.

طرح رضایت‌سنجی، تلاش برای ارائه تصویری کاذب

طرحی به نام «طرح رضایت‌سنجی» از بازنشستگان و وظیفه‌بگیران تحت پوشش این صندوق از دی ماه سال گذشته با دستور مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری به صورت هفتگی، از طریق تماس تلفنی در قالب نمونه‌گیری کاملاً تصادفی از بازنشستگان سراسر کشور در حوزه‌های مختلف از جمله مطالبات بازنشستگان از سه نهاد «دولت، صندوق بازنشستگی کشوری و دستگاه‌های اجرایی محل اشتغال» عملیاتی شده و نظر ذی‌نفعان صندوق بازنشستگی را ثبت می‌کند تا در جریان تدوین طرح‌ها و برنامه‌های اجتماعی، رفاهی و فرهنگی صندوق و همچنین رایزنی‌های پیش رو با سازمان‌های بالادستی مورد استفاده قرار گیرد.

بر اساس جدیدترین نتایج این طرح که به صورت تجمیعی از یک هزار و ۷۲ نفر در دوره یک‌ماهه مشخص شده است، ۲۲۹ نفر معادل ۲۱.۳۶ درصد «ارائه مزایای شاغلان به بازنشستگان از جمله مناسبت‌ها، اعیاد، ماه رمضان، تولدها و...» و ۲۲۰ نفر معادل ۲۰.۵۲ درصد «ارائه خدمات بیمه تکمیلی درمان مانند شاغلان» را به عنوان مهم‌ترین مطالبه خود از دستگاه اجرایی محل اشتغال مطرح کردند. همچنین «ارائه خدمات تفریحی و گردشگری مانند شاغلان» برای ۱۴۹ نفر معادل ۱۳.۹ درصد، «ارائه وام به بازنشستگان با شرایط شاغلان» برای ۱۳۵ نفر معادل ۱۲.۵۹ درصد و «استخدام فرزندان بازنشستگان» برای ۱۰۹ نفر معادل ۱۰.۱۷ درصد به عنوان مطالبات مهم از دستگاه‌های اجرایی محل خدمت اعلام شده است. از سوی دیگر ۷۰ نفر معادل ۶.۵۳ درصد نیز اعلام کردند که هیچ انتظاری از دستگاه اجرایی محل خدمت خود ندارند. «تکریم بازنشستگان مثل برگزاری جشن بازنشستگی، اعیاد، تولد، مناسبت‌ها» و «احترام و پاسخگویی مناسب دستگاه به بازنشستگان» با ۴.۲۰ درصد، «امکان برخورداری از مزایای فروشگاه‌های تعاونی دستگاه» با ۴۳.۲ درصد، «استفاده از تجربیات بازنشستگان و به‌کارگیری آنان» با ۳۳.۲ درصد، «جویا شدن از حال بازنشسته پس از بازنشستگی» با ۶۸.۱ درصد و «تعدیل در گروه هنگام بازنشستگی» با درصدی کمتر از یک،



در ردیف‌های بعدی مهم‌ترین مطالبات بازنشستگان کشوری از دستگاه‌های اجرایی قرار گرفته‌اند.

نتایج اعلام شده از طرح مذکور، به روشنی گویای این واقعیت است که این طرح مثل سایر طرح‌های ارائه شده در جمهوری اسلامی، صرفاً تلاشی در راستای پوشاندن نقصان‌ها و عدم رعایت حقوق بازنشستگان است. چرا که حقوق و به اصطلاح مزایای ناچیز اعطائی به بازنشستگان، تکافوی نیازهای اولیه آن‌ها را نمی‌کند چه رسد به این که موجبات رضایتمندی آن‌ها را فراهم کند.

تجمع و اعتراضات مدنی بازنشستگان، در تنافی با قوانین موضوعه نیست: اعتراض بازنشستگان، چه از منظر قوانین موضوعه‌ی جمهوری اسلامی و چه از منظر کنوانسیون‌های بین‌المللی، با توجه به مدنی، مسالمت‌آمیز و به دور از مسلحانه بودن، واکنشی مشروع بوده و سرکوب چنین تجمعات اعتراضی، در تنافی با حقوق شهروندی است.

مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.

همچنین اصل ۲۷ مقرر می‌دارد: تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد

است. با وجود چنین صراحتی به مشروع بودن و آزادی تجمعات در قانون اساسی جمهوری اسلامی، همواره شاهد اقدامات قهری و خشونت‌آمیز نیروهای انتظامی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی، با شرکت‌کنندگان در تجمعات بوده‌ایم.

در کنوانسیون‌های بین‌المللی، از جمله کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد مصوب سال ۱۹۶۶، حق تشکیل مسالمت‌آمیز تجمعات اعتراضی، به رسمیت شناخته شده است. وفق ماده ۲۱ کنوانسیون مذکور تصریح و مقرر شده است که: هیچ محدودیتی در مورد اعمال حق اعتراض صورت نمی‌گیرد مگر مطابق قانون آن‌هم در یک جامعه دموکراتیک و بطور ضروری در جهت نفع (مصلحت) امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادی‌های دیگران باشد.

همچنین در سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی که مرتبط با حقوق شهروندان هستند، مسئله‌ی حق اعتراض مورد شناسایی قرار گرفته است. به عنوان مثال کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در ماده ۱۱ خود به حق اعتراض تأکید کرده و آن را جزو حقوق اولیه انسان‌ها قرار داده است. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که با نام رسمی «کنوانسیون حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» شناخته می‌شود یک معاهده بین‌المللی برای حفاظت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در اروپا است، که در سال ۱۹۵۰، پیش‌نویس آن توسط نهاد نوین‌یاد شورای اروپا تهیه، و در سوم سپتامبر ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا شده است.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم
سردبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net